



معاونت امور زنان و خانواده
ریاست جمهوری

وضعیت زنان در بازار کار ایران

(گزارش شماره ۳)

معاونت بررسی‌های راهبردی

به کوشش: ندا قره‌خانی و خدیجه محمدخانی

تیرماه ۱۳۹۴

فهرست

مقدمه	۵
بخش اول: تجارب پیشین و رویکرد مناسب	۹
۱.۱. زنان به مثابه گروه‌های آسیب پذیر	۹
۱.۲. زنان در تلاش برای تحقق اهداف کلان کشور	۱۰
۱.۳. رویکرد عدالت جنسیتی	۱۰
بخش دوم: گزاره‌های مبتنی بر اطلاعات نادرست درباره زنان و خانواده	۱۳
۲.۱. همه از نتایج برنامه‌های توسعه برخوردار می‌شوند	۱۳
۲.۲. هنجارهای اجتماعی زنان را از جستجوی کار باز می‌دارد	۱۴
۲.۳. اشتغال زنان باعث کاهش اشتغال مردان می‌شود	۱۶
۲.۴. زنان خانه‌دار فعال اقتصادی نیستند	۱۶
۲.۵. زنان تجربه و علم لازم را برای مدیریت ندارند	۱۸
۲.۶. زنان در پی پست و مقام نیستند چون اولویت آنها چیز دیگری است	۱۸
۲.۷. فقط یک نفر (یعنی مرد) باید تأمین کننده هزینه‌های زندگی باشد	۱۹
۲.۸. امید به زندگی زنان بیشتر از مردان و این دلیل بهتر شدن وضعیت زنان است	۲۰
۲.۹. دختران و پسران نمی‌خواهند ازدواج کنند	۲۰
۲.۱۰. افزایش طلاق نتیجه زیاده خواهی‌ها و ناسازگاری‌های طرفین است	۲۱
۲.۱۱. خانواده‌ها هنوز مقید به رعایت هنجارهای گذشته اند	۲۳
۲.۱۲. آسیب‌های اجتماعی زنانه شده اند	۲۴
جمع بندی	۲۶

۲۹	بخش سوم: گزارش وضعیت زنان (بازار کار).....
۲۹	خلاصه مدیریتی.....
۳۳	۱. مقدمه.....
۳۹	۲. شرکت‌های اقتصادی زنان.....
۴۱	۲.۱. زنان فعال اقتصادی.....
۴۵	۲.۲. فعالان غیر اقتصادی.....
۴۸	۳. اشتغال و بیکاری.....
۴۸	۳.۱. جابجایی زنان از فعال اقتصادی به غیر فعال.....
۴۹	۳.۲. تحولات اشتغال زنان در بخش‌های عمده اقتصادی.....
۵۲	۳.۳. گروه‌های عمده شغلی زنان.....
۵۵	۳.۴. ظرفیت بخش‌های عمومی و خصوصی در جذب زنان شاغل.....
۵۸	۴. وضع فعالیت جمعیت جوان ۱۵ تا ۲۹ سال.....
۵۹	۴.۱. نرخ اشتغال و بیکاری زنان جوان.....
۶۰	۴.۲. عدم تعادل جنسیتی در بازار کار.....
۶۲	۵. تحصیلات زنان.....
۶۳	۵.۱. اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان.....
۷۲	۵.۲. خروج از بازار کار.....
۷۷	منابع.....

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران اصل را بر عدالت اجتماعی برای تمام شهروندان بدون در نظر گرفتن سن، جنس و قومیت نهاده است (رجوع شود به اصول ۳۰، ۲۸، ۲۹ و ۳۱ قانون اساسی) به طور یقین تحت لوای این اصل تحقق «عدالت جنسیتی» به عنوان یک راهبرد مهم در تمامی جنبه‌های زندگی، به صورتی پایدار مد نظر قرار می‌گیرد.

در کشور ما با تجربه‌ای نزدیک به هفتاد سال در برنامه‌ریزی، هنوز عدالت اجتماعی و به تبع آن توسعه متوازن برقرار نشده است. ضرورت شناخت عوامل کلیدی در ناکارآمدی برنامه‌های گذشته، قدمی مهم در جبران این غفلت و توجه بیشتر برنامه‌های توسعه بر کاهش تبعیض‌ها و اصل حیاتی «عدالت اجتماعی» است.

عدم موفقیت در برقراری عدالت اجتماعی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تجربه شده و نظام برنامه‌ریزی کشورها در تلاش برای رفع چنین نقیصه‌ای با رویکردهای متفاوتی عمل کرده‌اند. در برخی از کشورها، برنامه‌ریزان برنامه‌های توسعه را با هدف دستیابی به عدالت اجتماعی، ولی بی‌توجه به مسائل زنان که متفاوت از مردان است و به اصطلاح «برای همه»،

تدوین نموده‌اند که این بی‌توجهی به معنای تداوم تبعیض‌های موجود علیه زنان و عقب ماندگی جامعه است. گروهی دیگر از برنامه‌ریزان با انگیزه‌ای ظاهراً بی‌طرفانه و تصور میدانی باز برای رقابت، برنامه‌های توسعه را تنظیم می‌کنند که این خود به نوعی تبعیض منتهی می‌شود؛ زیرا مردان و زنان از موقعیتی متوازن در آغاز هر برنامه برخوردار نیستند و میدان رقابت بازی نیز مبتنی بر شایسته‌سالاری وجود ندارد، در نتیجه زنان نمی‌توانند از نتایج بدست آمده در پایان برنامه توسعه برخوردار شوند و عدالت جنسیتی و به تبع آن عدالت اجتماعی تحقق نیافته است.

در دهه‌های گذشته برای اطمینان از دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه در تحقق عدالت اجتماعی و عدالت جنسیتی، کشورهای مختلف راهبردها و سیاست‌های گوناگونی را طراحی و اجرا کرده‌اند. کشورهایی در قاره آسیا مانند مالزی، فیلیپین، هند و... و در مجموعه کشورهای آمریکای لاتین؛ شیلی، مکزیک و یا کشورهای آفریقایی بسیاری نظیر مالاوی، آفریقای جنوبی، تانزانیا، کنیا و...

به دلیل اهمیت بسیار زیاد کاهش تبعیض‌ها برای حکومت‌ها و ضرورت درک و ترویج راهبرد عدالت جنسیتی برای عینیت یافتن عدالت اجتماعی، امروزه عنوان «فمو کرات» برای کسانی به کار برده می‌شود که در دولت‌ها سه هدف و وظیفه را دنبال می‌کنند:

۱. افزایش آگاهی در درون دولت از پیامدهای سیاست‌ها و برنامه‌ها بدون نگاه جنسیتی

۲. وادار کردن دولت‌ها به پاسخگویی به تعهداتشان برای تحقق عدالت

۳. ایجاد تغییرات در سیاست‌ها و بودجه‌ها با هدف ارتقاء پایگاه

اجتماعی و اقتصادی زنان

در کشور ما علیرغم تلاش‌های صورت گرفته، به دلیل این که قانون

گزارش وضعیت زنان ۷

برنامه‌های توسعه بیشتر متمایل به طیف کم توجهی جنسیتی و خنثی نگری در برنامه قرار می‌گیرند، به استثنای برنامه چهارم توسعه که در بیش از یک ماده قانونی مسائل زنان (مواد ۱۰۲، ۹۷، ۵۴، ۲۰، ۱۱۱ و...) دیده شده بود، توفیق چندانی در برقراری عدالت جنسیتی حاصل نشده است.

در این گزارش فرض ما بر این است که برنامه‌ریزان به اهمیت موضوع کاهش تبعیض‌ها مبتنی برجنسیت واقفند و مجریان تمایل به اجرایی سازی این موضوع دارند. بنابراین هدف ما، مروری بر وضعیت زنان در حوزه‌های «مهم تر» برای بهبود وضعیت آنان و تقویت نهاد خانواده است. پنج حوزه مهم تر بر اساس نظرات کارشناسان حوزه مسائل زنان انتخاب شده است و امیدوار هستیم که این اطلاعات در تدوین برنامه ششم توسعه با درک ضرورت برقراری عدالت اجتماعی و جنسیتی به کار برده شود.

در بخش اول به طور بسیار مختصر به رهیافت‌های متفاوت در پرداختن به مسائل زنان در برنامه‌ها و سیاستگذاری‌ها اشاره می‌شود و سپس مناسب‌ترین چهارچوب و راهبرد متناسب با شرایط کشور برای برقراری عدالت اجتماعی طرح می‌گردد.

در بخش دوم، بر اساس مسائل و اطلاعات طرح شده در گزارش‌های پنجگانه و با استفاده از یافته‌های پژوهش‌های علمی معتبر، خلاصه‌ای از مهم‌ترین گزاره‌ها درباره جنبه‌های مختلف وضعیت کنونی زنان و خانواده ارائه می‌شود.

در بخش سوم گزارش، پنج حوزه دارای اولویت برای ارتقاء و بهبود وضعیت زنان در خانواده و جامعه در پنج گزارش مجزا تنظیم شده است. روش تدوین این گزارش‌ها به عنوان یک مطالعه کتابخانه‌ای، گردآوری آمارها و اطلاعات قابل دسترسی، ارائه آنها با تمرکز بر مهم‌ترین موضوعات و تحلیل ثانویه برخی از شاخص‌های مفید برای برنامه‌ریزی بوده است. هر

یک از گزارش‌های پنجگانه، موضوعات را در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ مد نظر قرار داده (گرچه در برخی موارد به دلیل ضرورت و یا نبود اطلاعات، فراتر و یا محدودتر از این دوره، اطلاعات ارائه شده است) و سعی شده که تصویری اجمالی از وضعیت زنان در حوزه خانواده، بازار کار، سلامت، تأمین اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی ارائه شود.

بخش اول: تجارب پیشین و رویکرد مناسب

برنامه‌ریزان غالباً با توجه به درک خود از شرایط زنان در کشورشان و با ملاحظه ایدئولوژی حکومت‌ها رویکردی را انتخاب و بر اساس مبانی این رویکرد طرح‌های خاصی را برای زنان طراحی و اجرا کرده‌اند. این رویکردها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ دسته اول زنان را «گروه‌های آسیب پذیر و فقیر» تعریف کرده‌اند. در دسته دوم زنان امکان و وسیله‌ای هستند که باید برای رسیدن به اهداف کلان جامعه تلاش کنند و دسته سوم رویکردها را «عدالت جنسیتی» می‌نامیم.

۱.۱. زنان به مثابه گروه‌های آسیب پذیر

در این مجموعه از رویکردها بر نقش «تولید مثل» و «تولید کنندگی» زنان تأکید شده است. زنان تقریباً جدای از کل جریان جامعه و بدون تأکید بر روابط اجتماعی و ارزش‌های اکتسابی و دلایل پیدایش تبعیض‌ها و نابرابری‌ها میان زنان و مردان، به عنوان گروه هدف تعریف شده‌اند. رویکردهای رفاه و فقرزدایی را می‌توان به عنوان نمونه در این دسته مطرح کرد.

ارایه خدمات در زمینه‌هایی مانند تغذیه، آموزش مهارت‌های خاص زنان و تأمین امکانات کسب معیشت از راه‌حل‌های اساسی این رویکردها است. اجرای طرح‌های اشتغال‌زا در خانه و این که زنان می‌توانند با ایفای نقش همسری و مادری تولیدکننده نیز باشند و به معیشت خانواده کمک کنند، محتوی اصلی این گونه رویکردها را تشکیل می‌دهد.

۱.۲. زنان در تلاش برای تحقق اهداف کلان کشور

بر اساس این رویکرد که بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی تأکید دارد، زنان نیروی کار و منابعی هستند که می‌توانند به رشد و توسعه اقتصادی به عنوان سرمایه‌های انسانی کمک کنند. با پذیرش نقش تولیدکنندگی زنان در مشاغل (زنانه و مردانه) و حضور آنان در عرصه عمومی، قدمی فراتر از رویکردهای دسته اول برداشته شده است.

هدف این رویکرد ارتقاء نقش اقتصادی زنان در توسعه کشور و تأکید بر فراهم آوردن فرصت‌های بیشتر برای آنان است. ارتقاء سرمایه انسانی زنان با آموزش، تأمین فناوری و تکنولوژی‌های مناسب، دسترسی به منابع مالی و سیستم بانکی، برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی و... همه به مشارکت زنان در فرایند رشد و توسعه و برخورداری آنان از مواهب توسعه کمک می‌کند.

۱.۳. رویکرد عدالت جنسیتی

عدم موفقیت برنامه‌های توسعه در تحقق عدالت اجتماعی و ماندگاری تبعیض‌ها، نشانه‌های روشنی از ناکارآمدی رویکردهای پیشین است. امروزه آسیب پذیر دانستن زنان و ترویج باور آسیب‌پذیری آنان به دلیل «زن بودن» عین تبعیض و نشان‌دهنده سیاست‌ها و برنامه‌های محروم‌کننده زنان از

حقوق انسانی است. همچنین تأکید صرف بر نقش اقتصادی زنان، آنها را منابع انسانی ارزان قیمتی می‌بیند که لزوماً تأمین کننده همه حقوق انسانی آنها نمی‌تواند باشد.

امروزه موضوع «عاملیت زنان» نه به عنوان گروه‌های آسیب پذیر و نه وسیله‌ای برای رشد اقتصادی، بلکه با تأکید بر هر سه نقش زنان یعنی تولید مثل، تولید کنندگی و اجتماعی طرح می‌شود تا با حفظ خصوصیات طبیعی زنان و مردان، درک تفاوت‌ها و مکمل بودن نقش‌های آنان، رفع تبعیض‌های جنسیتی محور سیاست گذاری‌ها و برنامه‌های توسعه قرارگیرد.

عدالت اجتماعی فقط در صورتی تحقق می‌یابد که منابع انسانی زنان در مجموعه منابع انسانی کشور و برنامه‌ها و بودجه‌های توسعه، حساس به تبعیض‌های روا داشته شده علیه زنان و با هدف ارتقاء جایگاه زنان و تقویت نهاد خانواده تعریف شود. براساس رویکرد عدالت جنسیتی توسعه انسانی پایدار جدا از تغییر و تحول در نگرش‌های جامعه که توسط زنان و مردان تعریف و تداوم یافته اند، قابل دستیابی نخواهد بود.

در نتیجه بر اساس تجربیات ناموفق سایر رویکردها و روند افزایشی تعداد زنان فقیر و باصطلاح آسیب پذیر و افزوده شدن بر فهرست عوامل آسیب زا و ضرورت دستیابی زنان به حقوق انسانی و بهبود وضعیت آنان به عنوان هدف و نه وسیله‌ای برای رشد اقتصادی، رویکرد «عدالت جنسیتی» که سازگاری بیشتری با شرایط کشور ما دارد، پیشنهاد می‌گردد. اساس این رویکرد کسب توازن میان نقش‌های سه گانه زنان و تدوین سیاست‌ها و برنامه‌هایی است برای تأمین نیازهای عملی و راهبردی آنان در این رویکرد؛ با ارائه فرصت‌های برابر برای همگان (زنان و مردان) در تمامی بخش‌های اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و اقتصادی زمینه دستیابی به عدالت اجتماعی فراهم می‌گردد.

استراتژی رویکرد عدالت جنسیتی متفاوت از سایر رویکردها که یکی تأمین حداقل رفاه برای آسیب پذیران و دیگری ارتقاء نقش زنان در رشد اقتصادی بوده، پرداختن به نظام و ساختاری است که برنامه‌های توسعه در آن تدوین می‌شود تا با تحول کلی نهادها، رفاه گروه‌های آسیب پذیر تأمین و زمینه کار و اشتغال برای زنان نیز فراهم شود. این استراتژی را می‌توان «نهادگرا» نامید.

رویکرد عدالت جنسیتی و استراتژی نهادگرا تأکید دارد که تبعیض‌ها علیه زنان تداوم یافته، زیرا در نهادهایی که نقش اصلی و تعیین کننده در ارتقاء جایگاه زنان و بهبود وضعیت آنان در خانواده و جامعه را دارند، تحولی رخ نداده است. بنابراین لازم است که هنجارها، نظام حقوقی، سازمان‌های دولتی و نظام‌های تصمیم گیرنده و سیاستگذار نسبت به عدالت جنسیتی و ضرورت کاهش تبعیض‌ها حساس شوند تا مسائل زنان به علاوه مسائل مردان بخش جدایی ناپذیر فرایند توسعه به حساب آید.

در استراتژی نهادگرا؛ تغییرات فقط برای زنان و حفظ منافع آنان نیست. بهبود جامعه و خانواده در گروه بهبود وضعیت زنان دیده می‌شود. اجرای طرح‌های خاص و محدود برای تأمین معاش گروه خاصی از زنان هدف نیست، فراهم آوردن فضای اجتماعی قابلیت‌زا برای دستیابی مردان و زنان از اهداف اصلی است. اجرای این استراتژی مسئولیت فقط یک دفتر و یا معاونت خاص نیست بلکه مسئولیت همه سازمان‌ها و نهادهای حکومتی است. نظام جامعه شامل باورها، ارزش‌ها، روش‌ها و ارکان سازمان‌های حکومتی و دولتی به عنوان نهادهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به صورت بهم پیوسته باید درگیر مسائل زنان در جامعه شوند و تأکید بر کاهش تبعیض‌ها و برقراری عدالت اجتماعی و جنسیتی باید در شریان‌های اصلی جامعه و فرایند توسعه نهادینه شود.

بخش دوم: گزاره‌های مبتنی بر اطلاعات نادرست درباره زنان و خانواده

با بررسی دلایل حاکمیت دیدگاه خشتی‌گرایی جنسیتی بر نظام برنامه‌ریزی و نگرش برنامه‌ریزان کشور، به باورها و گزاره‌هایی می‌رسیم که غالباً بر اساس اطلاعات نادرست شکل گرفته‌اند و تحولات فرهنگی سی سال اخیر را نادیده می‌گیرند.

تعدادی از مهم‌ترین باورهای مبتنی بر اطلاعات ناصحیح که به تداوم تبعیض‌ها علیه زنان و عدم تحقق عدالت اجتماعی کمک کرده، برپایه گزارش‌های مستند و پژوهش‌های علمی ارائه می‌شوند:

۲.۱. همه از نتایج برنامه‌های توسعه برخوردار می‌شوند

برنامه‌ریزان کشور ما بیشتر بر این باورند که برنامه‌های توسعه برای همه مردم تدوین می‌شود و تفاوتی میان زنان و مردان در مشارکت و برخورداری از منافع برنامه توسعه وجود ندارد. برای رد این فرضیه کافی است به اطلاعات مربوط به اشتغال و بیکاری کشور نگاه کنیم (گزارش شماره ۳).

اطلاعاتی که وزارت کار در سال ۱۳۸۴ منتشر نموده، نشان می‌دهد که همه شانس برخورداری از فواید برنامه‌های توسعه و خدمات نهادهای دولتی را به طور یکسان ندارند.

در حالی که در کل جویندگان کار ثبت نام شده نزدیک به ۳۴ درصد را زنان تشکیل می‌دهند (جداول ۶ تا ۸)، اما در مجموع از به کار گمارده شدن، سهم بسیار ناچیزی نصیب آنها شده است. در نهایت ۲۰ درصد از جویندگان مرد به کار گمارده شده‌اند ولی فقط ۹ درصد از متقاضیان زن حتی در میان تحصیلکردگان به شغلی دست یافته‌اند. نمونه دیگر گزارش عملکرد صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی در سال ۱۳۸۴ است (صفحه ۱۱) که نشان می‌دهد فقط ۸/۸ درصد از دریافت کنندگان تسهیلات را زنان به خود اختصاص داده‌اند و کمی بیش از ۹۱ درصد در اختیار مردان قرار گرفته است. بنابراین همه به یک نسبت از فواید برنامه‌های توسعه و اقدامات دولت برخوردار نمی‌شوند.

۲.۲. هنجارهای اجتماعی زنان را از جستجوی کار باز می‌دارد

درک این رابطه که در جوامعی که نگرش‌های مثبت‌تری نسبت به توانایی‌های زنان وجود دارد، احتمال حضور زنان در فضای عمومی و عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی بیشتر است، چندان دشوار نیست و تمام تحقیقات هم آن را تأیید می‌کند. اما تصور این که امروزه همان وضعیت سی سال پیش نسبت به کار زنان وجود دارد، افسانه‌ای بیش نیست.

پژوهش اسدی و همکارانش در سال ۱۳۵۳ گزارش کرده بود که در مناطق شهری آن دوره نسبت موافقان به مخالفان زنان بسیار اندک بوده (۲۹/۰) و اکثریت مردم با کار کردن زنان در بیرون از خانه مخالف بوده‌اند. همین موضوع در سال‌های بعد از انقلاب در یک طرح ملی در مناطق شهری

مورد بررسی قرار گرفته و در دهه ۱۳۷۰ نسبت موافقان به مخالفان با کار کردن زن بیرون از خانه در میان مردان حدود ۱ و در جامعه زنان به حدود ۹/۱ درصد رسیده است (عبدی و گودرزی ۱۳۷۸ صفحات ۲۹ و ۳۰، محسنی ۱۳۷۹ صفحات ۲۴۱-۲۳۲). پژوهشی دیگر در چهار استان کشور نشان می‌دهد که در مقابل ۴۷ درصد موافقان با اشتغال زنان، ۳۵ درصد مخالف این امر بوده و بیش از نیمی از افراد جامعه معتقدند که زن باید کسب درآمد نماید (ال اقا ۱۳۷۶ صفحات ۲۵۱ تا ۳۱۴).

بنابراین تغییر نگرش نسبت به کار زنان از سال‌های ۱۳۷۰ که هنوز ورود دختران به دانشگاه‌ها اوج نگرفته بود، آغاز شده است. محسنی در پژوهش خود رابطه سطح سواد با تغییر نگرش در میان زنان و مردان را در سال ۱۳۷۹ (صفحه ۲۳۲) گزارش می‌کند. ۴۲ درصد بیسوادان با کار زنان موافق بود هاند و ۶۴ درصد از تحصیل‌کردگان. بنابراین با روند افزایشی سطح تحصیلات مردان و زنان در دهه‌های بعد، پیش بینی افزایش سهم موافقان با کار زنان بیرون از منزل چندان دشوار نیست.

تحولات فرهنگی را در تفاوت نگرش‌های مادران به دنیا آمده پیش از انقلاب با دختران متولد شده در سال‌های بعد از انقلاب، پژوهش‌های بسیاری گزارش کرده‌اند. در باره «ارجحیت در خانه ماندن زن» در سال ۱۳۷۵، نزدیک به ۲۲ درصد مادران و ۴۲ درصد از دختران با چنین ارجحیتی مخالفت کرده‌اند (جلیوند ۱۳۷۵ صفحه ۱۳۶). سهم دو برابری دختران در مقایسه با مادران و افزایش موافقان نسبت به مخالفان با «کار زنان در بیرون از خانه» موضوع بسیار با اهمیتی در سیاست گذاری‌ها می‌توانست باشد.

فراتر از این پژوهش‌ها، در نظر سنجی‌های علمی در سطح ملی در باره مسائل و نیازهای دختران و زنان کشور، درصد قابل توجهی از دختران و زنان اشتغال و بیکاری را به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل خود اعلام

کرده‌اند (مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، ۱۳۸۲، مرکز مطالعات جوانان دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۸).

داده‌هایی از این دست ضمن نمایش رابطه مثبت متغیر آموزش و اشتغال زنان، نشان دهنده آغاز تحولات فرهنگی و تغییر هنجارهای اجتماعی اجتماعی (عبدی و گودرزی، ۱۳۸۸؛ عسگری خانقاه و آزاد ارمکی ۱۳۸۰؛ اوجاقلو، ۱۳۹۴؛ آزاد ارمکی، ۱۳۸۶) حداقل از بیست سال پیش بوده و علی‌الاصول می‌بایست برنامه‌ریزان را آماده می‌نمود که رد فرضیه «هنجارهای اجتماعی به عنوان مانعی برای ورود زنان به عرصه‌های عمومی از جمله بازار کار» را باور نمایند.

۲.۳. اشتغال زنان باعث کاهش اشتغال مردان می‌شود

با توجه به نرخ بسیار زیاد بیکاری در جامعه، غالباً سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کشور نگران افزایش سهم زنان در بازار کار به قیمت تشدید وضعیت بیکاری جامعه می‌شوند. در واقع فرضیه رابطه بین اشتغال زنان و بیکاری جامعه (شامل مردان) را طرح می‌کنند. اطلاعات رسمی بسیاری از کشورهای خاور میانه و شمال آفریقا و تعدادی از کشورهای اروپایی، درستی فرضیه رابطه دو متغیر نرخ بیکاری جامعه و نرخ مشارکت زنان در بازار کار را رد می‌کند. آمارها نشان می‌دهد که کشورهایی که سهم زنان در بازار کار آنها بیشتر است، نرخ بیکاری کمتری دارند و برعکس کشورهایی که زنان آنها سهم بسیار کمی در بازار کار دارند از نرخ بیکاری بالاتری رنج می‌برند. (Chamlou ۲۰۰۶: ۲۷۱-۲۸۲)

۲.۴. زنان خانه‌دار فعال اقتصادی نیستند

تأکید بسیار بر نقش زنان در رشد اقتصادی بدون در نظر گرفتن نقش تولید

مثل آنها و نادیده انگاشتن کار زنان خانه‌دار مورد ایراد بسیاری از برنامه‌ریزان و پژوهشگران قرار گرفته و در واقع رابطه بین خانه، اقتصاد رسمی، اقتصاد بازار و معیشتی و اقتصاد مراقبت از دیگران (فرزندان، بیماران، سالمندان در منزل) در تحلیل‌های توسعه و برنامه‌ها کمتر دیده شده است. به طور کلی تبیین این که زنان خانه‌دار فعال اقتصادی نیستند از دو وجه درست نیست:

زنان در خانه بیکار نیستند

گرچه بسیاری از زنان بیکار بر اثر خطای آماری در زمره خانه‌دارها طبقه بندی می‌شوند ولی بسیاری از زنان خانه‌دار نیز با این که در بخش غیر رسمی کار و فعالیت می‌کنند، خانه‌دار محسوب می‌گردند. بنابراین همچنان که نرخ بیکاری رسمی ممکن است درست نباشد، مشارکت واقعی زنان در کشور نیز احتمالاً بیش از مقادیر رسمی اعلام شده است. در پژوهشی قابل تعمیم به شهر تهران (زنان ۱۸ سال به بالا) با این که ۶۹ درصد از زنان خود را خانه‌دار معرفی کرده بودند، نزدیک به ۱۰ درصد فعالیتی را هم برای کسب درآمد در خانه انجام می‌داده‌اند (دیهمیم و همکاران ۱۳۸۲) در واقع شاغل بخش غیر رسمی بوده‌اند.

اقتصاد مراقبت

در هیچ یک از داده‌ها و آمارهای رسمی اثری از اقتصاد منزل مانند غذا پختن و نظافت و یا نقش مراقبتی زنان از کودکان و سالمندان نیست. ترابی (۱۳۷۱) محاسبه کرده است که فعالیت طبخ غذا در منزل توسط زنان معادل ۲۰۴۸ میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت و حدود ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشور در سال مذکور است. با توجه به این که سهم ارزش افزوده بخش

نفت در تولید ناخالص داخلی کشور در آن دوره حدود ۱۵ تا ۱۹ درصد بوده، می‌توان عنوان کرد که سهم فعالیت‌های زنان در زمینه فقط طبخ غذا کمتر از سهم نفت در کل اقتصاد نیست.

۲.۵. زنان تجربه و علم لازم را برای مدیریت ندارند

در پنجاه سال اخیر، زنان بیشتری وارد بازار کار کشور شده‌اند و تلاش کرده‌اند که سهم بیشتری در عرصه‌های اقتصادی به دست آورند. بنابراین باید تجربه کافی در انجام کارها را در این پنج دهه به دست آورده باشند. مقایسه آمار مربوط به زنان و مردان تحصیلکرده نشان از حداقل سه برابر بودن سهم زنان شاغل تحصیلکرده نسبت به مردان در تمام سه دهه اخیر دارد (گزارش شماره ۳). پس چگونه است که سهم مردان مدیر در کل اشتغال مردان خیلی بیشتر از سهم زنان مدیر در کل اشتغال زنان است. افزایش مشارکت اقتصادی زنان همانند کمیت دستیابی آنان به پایگاه‌های مدیریتی با موانع بسیاری مبتنی بر اطلاعات نادرست مواجه گردیده است (شادی طلب، ۱۳۷۸). این درحالی است که با روند افزایشی سطح تحصیلات زنان، دسترسی به اطلاعات روز و اعتماد به نفس و تجربه کار حداقل در بخش عمومی و سازمان‌های دولتی، زنان نه تنها انتظار دستیابی به شغل مناسبی را دارند بلکه آمادگی کافی برای ارتقاء به پست‌های مدیریتی را نیز به دست آورده‌اند.

۲.۶. زنان در پی پست و مقام نیستند چون اولویت آنها چیز دیگری است

در برخی موارد این فرضیه عنوان می‌شود که زنان تمایلی برای ورود به پست‌های مدیریتی ندارند. البته باید بپذیریم که زنان مانند دیگران می‌توانند حق انتخاب داشته باشند اما این فرضیه در مورد عدم تمایل زنان به تکیه

زدن بر صندلی‌های مدیریت، از نگاه مردان منصوب کننده مدیران، چندان تأیید شده نیست. تحقیقات باطل بودن چنین برداشتی را گزارش می‌کنند؛ در پژوهش محسنی که در سطح ملی انجام شده، اهمیت مقام و انتظار زنان برای دستیابی به موقعیت بالاتر (۱۳۷۹ صفحه ۳۶۲) به روشنی گزارش شده است.

۲.۷. فقط یک نفر (یعنی مرد) باید تأمین کننده هزینه‌های زندگی باشد

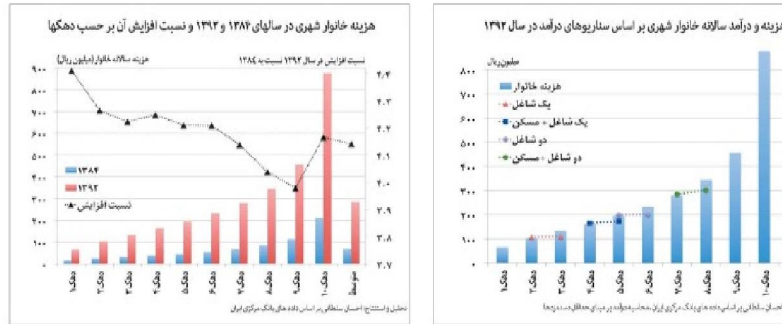
با توجه به هزینه‌های فزاینده زندگی بویژه در جامعه شهری، ارتقاء سطح اطلاعات مردم نسبت به نحوه زندگی در سایر کشورها و تلاش پدر و مادرها برای فراهم آوردن امکان آموزش بیشتر، تغذیه بهتر و تأمین زندگی و آینده فرزندان، اشتغال یک عضو خانواده برای تأمین نیازها و پاسخگویی به چنین انتظاراتی کافی نمی‌تواند باشد.

وضعیت غالباً بد اقتصادی خانواده‌هایی که فقط یک نفر در خانواده شاغل و مسئول تأمین هزینه‌ها است مانند اکثریت خانوارهای زن سرپرست (در کنار سایر عوامل) شاهدهی بر این مدعاست (گزارش شماره ۱). علاوه بر این بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد که برای رهایی از فقر، اشتغال دو نفر و فراهم بودن مسکن ضروری است (سلطانی، ۱۳۹۴).

بنابراین این باور که مردان تنها نان آوران خانواده باید باشند نه تنها فشار اقتصادی و روانی سنگینی بر مردان تحمیل می‌کند و کمکی به ارتقاء کیفیت زندگی خانواده نمی‌نماید، بلکه دیگرامکان پذیر نیز نیست.

نمودار ۱. کاهش فقر و بهبود وضعیت زندگی با شاغلین بیشتر در خانواده

افزایش هزینه‌های زندگی در شهرها موجب شد
نیاز ۸۰ درصد خانوارها به دو شاغل و یک مسکن



۲.۸. امید به زندگی زنان بیشتر از مردان و این دلیل بهتر شدن وضعیت زنان است

تفاوت امید به زندگی میان زنان و مردان حاکی از آن است که زنان در این شاخص نسبت به مردان وضعیت بهتری دارند (گوارش شماره ۲) اما این که کیفیت زندگی زنان و چه تعداد از سالهای عمر آنها با ناتوانی یا ابتلاء به بیماری‌ها همراه است، فراموش می‌شود.

در ایران زنان معادل دهسال از عمر خود را بدون سلامت کامل زندگی می‌کنند که نشان می‌دهد هنوز وضعیت سلامتی و زندگی آنها با سطح مطلوب فاصله بسیار زیادی دارد.

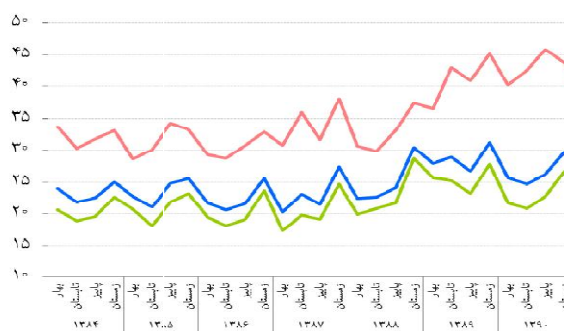
۲.۹. دختران و پسران نمی‌خواهند ازدواج کنند

به استناد فرضیه‌های تأیید شده در پژوهش‌های متعدد، دختران همانند پسران به دلیل ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها، ازدواج را به تأخیر می‌اندازند و میانگین سن در اولین ازدواج برای هر دو (البته دختران بیشتر) افزایش یافته است.

گزارش وضعیت زنان ۲۱

بنابراین انتظار می‌رود با تمایل به آموزش و ادامه آن تا سطوح بالاتر همسران و مادران بهتری تربیت می‌شوند. اما آنچه که غالباً نادیده گرفته می‌شود علت‌های دیگر و اصلی این تاخیر در ازدواج یعنی وضعیت بیکاری و اشتغال پسران جوان است. پژوهش‌ها در سطح ملی گزارش می‌کنند که در خانواده‌های متمول دختران زودتر شوهر می‌کنند (ضرابی و مصطفوی ۱۳۹۰) و مکنت مالی خانواده دختر این امر را امکان‌پذیر می‌سازد. اطلاعات رسمی مرکز آمار ایران در مورد بیکاری جوانان (پسران و دختران) نشان‌دهنده وضعیت بد اقتصادی جوانان و متغیر تعیین‌کننده تقاضای ازدواج و تشکیل خانواده است.

نمودار ۲. نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۲۴ ساله به تفکیک فصل و جنس در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳



۲.۱۰. افزایش طلاق نتیجه زیاده خواهی‌ها و ناسازگاری‌های طرفین است

به طور یقین عوامل متعدد شخصیتی و اجتماعی در انحلال خانواده و تحمیل هزینه‌های روانی سنگین به هر دو طرف موثر هستند. بنابراین هر نوع آموزشی برای آماده‌سازی جوانان در پذیرش مسئولیت تشکیل خانواده و یا ارائه آموزش‌ها و مشاوره‌ها برای کاهش اختلاف و یافتن راه‌حل‌های

مسألت آمیز برای ادامه زندگی ضروری است. اما بر اساس اطلاعات موجود جامعه دچار دو مشکل اساسی شده است که بدون حل یکی، پرداختن به دیگری مشکلی را حل نخواهد کرد:

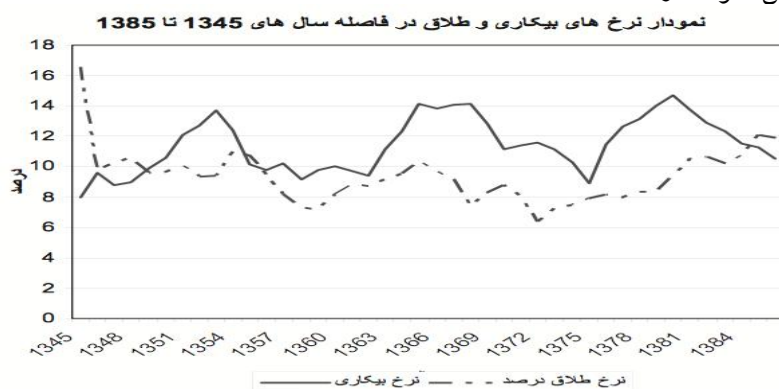
کم اهمیت شمردن مسئله اشتغال و بیکاری (وضعیت اقتصادی خانواده)

اصرار بر تحمیل باورهایی که نسل جدید به آن تعلق خاطری ندارد

تحولات فرهنگی در دهه هشتاد و یا سالهای زمامداری آن دولت یا این دولت، شروع نشده است. پژوهش‌های سال‌های بعد از جنگ، زمانی که فرصتی برای تحقیق فراهم شد، همه تغییر نگرش‌ها و تفاوت‌های نسلی را گزارش کرده‌اند اما برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توجهی به این یافته‌ها ننمودند. البته منظور این نیست که اگر توجهی می‌کردند می‌توانستند جلوی آن را بگیرند، اما با دقت در این یافته‌های علمی، می‌توانستند موضوع را بهتر درک کنند و بجای مقابله و خصومت، به راه‌های استفاده از این تحولات در جهت پیشبرد اهداف جامعه و کیفیت زندگی‌ها بپردازند.

گزارش‌های سازمان‌های مسئول در باره مهم‌ترین دلایل طلاق بر اساس علت‌های عنوان شده توسط زن و مرد (اولین دلیل «عدم تفاهم» ذکر شده است. گزارش شماره ۱)، در عین درستی احتمالاً همه حقیقت نیست، زیرا «عدم تفاهم» دلیلی است که برای همه چیز و همه موارد می‌توان به کار برد. یافته‌های پژوهش‌ها در پنجاه سال اخیر و نه فقط سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، رابطه وضعیت اقتصادی و بیکاری و طلاق را به خوبی نشان می‌دهد (عیسی زاده و همکاران ۱۳۹۳). بنابراین تا افزایش فرصت‌های اشتغال و کسب درآمد کافی اعضای خانواده، باید اندکی تامل

کرد و امیدوار بود که با کاهش بیکاری حداقل یکی از عوامل اصلی طلاق از بین خواهد رفت.



۲.۱۱. خانواده‌ها هنوز مقید به رعایت هنجارهای گذشته اند

بررسی پیامدهای دو تغییر اساسی در قانون حمایت از خانواده در سال‌های پایانی دهه پنجاه یعنی کاهش سن ازدواج دختران به ۹ سال و اختیارات بیشتر به مردان برای طلاق همسرانشان و یا چند همسری، می‌تواند به ارزیابی «تناسب» سیاست‌های اتخاذ شده برای تحکیم خانواده با وضعیت فرهنگی و اجتماعی جامعه کمک کند.

بر اساس اطلاعات سرشماری ۱۳۵۵، ازدواج‌های اعلام شده دختران کمتر از ۱۴ سال رقمی نزدیک به ۸/۱ درصد بوده که در دهه شصت پس از تغییر قانون به حدود ۲ درصد افزایش یافت. گرچه ازدواج ۱۱۲ هزار دختر بچه رقم قابل توجهی است ولی واقعیت این است با تغییر سن ازدواج، خانواده‌ها دخترانشان را در ۹ سالگی و بعدها در ۱۳ سالگی، تشویق به تشکیل خانواده نکرده و نمی‌کنند.

در مورد چند همسری، پژوهش‌های انجام شده در سال ۱۳۵۳ گزارش

کرده بودند که نخبگان [تحصیلکردگان] ۸۶ درصد و بیسوادان ۵۶ درصد با چند همسری مخالف هستند (اسدی و همکاران ۱۳۵۳). یافته‌های یک پژوهش ملی در سال ۱۳۷۹ (پس از بیست سال)

نشان می‌دهد که ۹۳ درصد از زنان و ۹۰ درصد از مردان مخالف چند همسری هستند (محسنی صفحه ۹۴) و میزان مخالفت زنان و مردان با سطح سواد افزایش می‌یابد. بدین ترتیب متناسب بودن این گونه سیاست‌ها و میزان اثرگذاری آنها بر تصمیم‌های مردان و زنان در تشکیل و تحکیم خانواده موضوع در خور توجهی است.

به استناد گزارش‌های پژوهشی (عبدی و گودرزی ۱۳۸۸، ازاد ارمکی و ظهیری ۱۳۸۹، ۲۰۰۴ Azadarmaki and Ghafari)، در سه دهه اخیر، نظام درونی خانواده‌ها نیز تحولاتی را تجربه کرده و می‌کند که برنامه‌ریزان از آن غفلت کرده‌اند. در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب مرد (پدر) تقریباً تصمیم‌گیر مطلق بوده ولی در سال‌های پایانی دهه هفتاد فقط در یک سوم خانواده‌ها (۵/۳۵٪) پدر تنها تصمیم‌گیر خانواده بوده است (محسنی ۱۳۷۹). این اتفاق نه فقط در شهرها بلکه مطالعات درباره تفاوت‌های نسلی میان پدران و پسران، حاکی از آن است در دورترین نقاط روستایی هم این تغییرات در حال وقوع است (Shaditalab and Mehrabi ۲۰۱۰).

۲.۱۲. آسیب‌های اجتماعی زنانه شده اند

طرح فرضیه «زنانه شدن آسیب‌ها» در ایران، با توجه به منطق استفاده از این مفهوم و اطلاعات موجود نادرست است. در دهه هفتاد میلادی برای اولین بار بحث «زنانه شدن فقر» مطرح شد.

(UN ۲۰۰۹، UNIFEM ۱۹۹۵، Moghadam ۱۹۹۷، Marmel and Judie ۱۹۹۱)

و هنوز هم از این عنوان برای زنان بویژه زنان سرپرست خانوار به کار

برده می‌شود. دلایل برقراری چنین رابطه‌ای بین فقر و جنسیت اطلاعات مربوط به فقرا و وضعیت آنها است؛

□ از مجموع ۳/۱ میلیارد فقیر جهان، ۷۰ درصد را زنان تشکیل می‌دهند
□ زنان شاغل در کشورهای در حال توسعه اکثریت (حدود دو سوم) خود اشتغال و یا کارکن فامیلی بدون مزد هستند
□ فقط ۳۰ درصد نیروی کار رسمی را زنان تشکیل می‌دهند بنابراین اکثریت از حمایت‌های قانونی و تأمین اجتماعی برخوردار نیستند (گزارش شماره ۴).

□ زنان ۱۰ درصد از درآمدهای جهان را به دست می‌آورند.

□ فقط ۱ درصد از دارایی‌های جهان متعلق به زنان است.

با چنین سهمی از درآمدها و دارایی‌ها و اشتغال در بخش غیر رسمی و یا بدون مزد، طبیعتاً امید چندانی به رهایی از فقر نیست. بنابراین سهم هفتاد درصدی زنان از فقرای جهان، استفاده از مفهوم «زنانه شدن فقر» را قابل قبول می‌نماید. همچنان که این موضوع در مورد زنان سرپرست خانوار کشور ما نیز که حدود نیمی از آنها در دهک‌های اول و دوم درآمدی (فقیرترین فقرا) قرار می‌گیرند (گزارش شماره ۱) کاملاً صادق است.

اما استفاده از عنوان «زنانه شدن اعتیاد» یا «زنانه شدن آسیب‌های اجتماعی»، به فرض صحت ارقام گزارش شده (حدود ۱۰ درصد مصرف کنندگان مواد) اصولاً درست نیست (گزارش شماره ۵). در مورد سایر جرایم نیز به استناد اطلاعات قابل دسترسی زنانه نشده‌اند. بنابراین این فرضیه تأیید نمی‌شود.

گرچه به طور یقین رد این فرضیه به معنای عدم ضرورت توجه برنامه‌ریزان به این گونه مسائل زنان و دلایلی که این مشکلات ایجاد شده و بروز می‌یا بند، نیست. زیرا در بسیاری از آسیب‌ها زنان قربانی آسیب هستند

و نه عامل آن مانند؛ اجبار به تن فروشی، اجبار به تکدی گری، افزایش مبتلایان به بیماری‌های عفونی مانند ایدز و.....

جمع بندی

در سه دهه گذشته زنان کشور ما شاهد تغییرات بیشماری بوده‌اند. زنانی که اکثریت در حاشیه روابط اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشتند و نقش اقتصادی آنها غالباً نادیده گرفته می‌شد، مسیر بهبود وضعیت و ارتقاء جایگاه خود در خانواده، بازار کار و جامعه را در افزایش سطح آگاهی‌ها با کسب اطلاعات، آموزش و ورود به دانشگاه‌ها یافتند.

اکنون با مجهز شدن به دانش و مهارت، طالب مشارکت بیشتر در مدیریت خانواده و جامعه هستند و انتظار موقعیت‌های بالاتری را در نظام کشور دارند. شاید در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، این فقط انتظار قشر کوچکی از زنان جامعه بود. اما امروز با حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و ملحق شدن گروه قابل توجهی از زنان خانواده‌های به اصطلاح سنتی و گاهی از طبقات اجتماعی و اقتصادی کم درآمد به گروه نخبگان و تحصیلکردگان، این انتظار به یک تقاضای گسترده تبدیل شده است.

بر اساس اطلاعات قابل دسترسی (آمارهای رسمی و پژوهش‌های معتبر) وضعیت موجود زنان و تغییرات دهه گذشته در پنج حوزه اصلی زندگی آنان شامل خانواده، سلامت، بازار کار، تأمین اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی در بخش سوم گزارش ارائه می‌شود. این گزارش‌ها صرفاً بیان وضعیت موجود زنان در سطح ملی، بدون هیچ گونه قضاوتی از سوی پژوهشگران است. تدقیق چالش‌ها و پیشنهاد مناسبترین راهکارها، به کارشناسان خبره در هر یک از حوزه‌ها و برگزاری جلسات هم‌اندیشی و

جمع بندی تبادل اطلاعات، موکول شده است.
امیدواریم که فرصت کافی برای تدوین همین گزارش‌ها به تفکیک
استان‌ها و یا مناطق همگن‌تر استانی فراهم شود.

بخش سوم: گزارش وضعیت زنان (بازار کار)

خلاصه مدیریتی

توان افزایش اقتصادی زنان و در مفهومی مشخص تر موضوع ارتقاء وضعیت اشتغال و دسترسی برابر به فرصتهای شغلی، بعنوان یکی از اولویتهای جامعه مورد تأکید قرار داشته است. تغییر شرایط زنان جامعه تحت تأثیر مسائل داخلی و خارجی، همچون نیاز اقتصادی خانوارها به درآمد زنان، پدیدار شدن الگوهای رفتاری - اجتماعی متفاوت از گذشته در بین جوانان، به تأخیر انداختن تشکیل خانواده، افزایش میزان حضور زنان در مراکز علمی و تمایل آنان به مشارکت در بازار کار، موجبات این امر را فراهم ساخته که اشتغال زنان از سطح موضوعات فاقد اهمیت به سطح موضوعات کلیدی جامعه تغییر ماهیت یابد.

- کشور ما از سال ۱۳۸۵ وارد مرحله «پنجره جمعیتی» و یا «پنجره فرصت ها» شده است.
- بهره برداری از فرصت پنجره جمعیتی و تبدیل آن به فرصت

اقتصادی و اجتماعی مستلزم توانمندی و مقتدر سازی جوانان برای توسعه اقتصادی، گسترش فرصتهای شغلی، سرمایه گذاری مطلوب، بهبود کیفیت سرمایه انسانی و فراهم کردن فرصتهایی برای حضور زنان در بازار کار است. بر اساس پیش بینی‌های به عمل آمده، پنجره جمعیتی ایران تا سال ۱۴۳۰ ادامه داشته و از آن پس با افزایش جمعیت سالمند نسبت وابستگی مجدداً افزایش خواهد یافت.

■ بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور سال ۱۳۷۵، تعداد جمعیت فعال بالغ بر ۱۲۷۸۴ هزار نفر بوده که از این تعداد معادل ۸۷/۳ درصد آنان، مرد و ۱۲/۷ درصد آنان را زنان تشکیل می‌داده‌اند. سال ۱۳۹۲، ۸۵/۳ درصد جمعیت فعال کشور را مردان و ۱۴/۷ درصد زنان بوده‌اند. نسبت جمعیت مردان فعال به زنان فعال از نظر اقتصادی، همواره حدود (۶ برابر) می‌باشد.

■ از مجموع جمعیت زنان ده سال به بالای کشور، ۱۸/۹ درصد محصل، ۳/۶ درصد دارای درآمد بدون کار و ۶۰ درصد آنان را زنان خانه دار تشکیل داده‌اند. به عبارت دیگر حدود ۸۷ درصد از جمعیت زنان کشور، به لحاظ اقتصادی، غیر فعال محسوب شده‌اند. زنان خانه دار که بزرگترین سهم را در کل جمعیت زنان کشور دارند، جزء جمعیت فعال اقتصادی محسوب نمی‌شوند و بدین ترتیب از یک سو نتایج فعالیت‌های آنها در خانه در تولید ناخالص ملی محاسبه نمی‌شود و از سوی دیگر ممکن است جمعیت آنها با جمعیت زنانی که به دلیل بیکاری خانه نشین شده‌اند، تداخل داشته باشد.

■ بررسی نرخ اشتغال و بیکاری جمعیت فعال کل کشور در سالهای ۱۳۹۲-۱۳۷۵ حاکی از آن است که همواره نرخ اشتغال زنان بسیار کمتر از نرخ اشتغال مردان بوده است در سال ۱۳۹۲، نرخ اشتغال مردان ۹۱/۵ درصد

و نرخ اشتغال زنان ۷۹/۷ درصد گزارش شده است.

■ بررسی توزیع شاغلین در بخش‌های عمده اقتصادی در سال ۱۳۹۲، بیانگر این موضوع است که در حال حاضر از سهم زنان در بخش کشاورزی همانند مردان کاسته شده و بیش از نیمی از جمعیت زنان در بخش خدمات فعالیت می‌نمایند. توزیع کلی جمعیت شاغل در بخش‌های اقتصادی (زنان و مردان)، به ترتیب خدمات، صنعت و کشاورزی است.

■ زنان در تمام گروه‌های عمده شغلی، نسبتی به مراتب کمتر از مردان را به خود اختصاص داده‌اند؛ اما در میان جمعیت متخصصان، نسبت زنان در مقایسه با مردان قابل توجه است. به دلیل تحصیلات بیشتر زنان تغییراتی نیز در اشتغال آنان در گروه‌های عمده شغلی در جهت ارتقاء موقعیت زنان رخ داده است و سهم زنان از کل قانون‌گذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران حدود ۵ درصد افزایش یافته است.

■ از مجموع ۱۱۷۹۱ هزار دختر جوان کشور، تنها ۱۳ درصد آنان به لحاظ اقتصادی فعال محسوب می‌گردند. حال آنکه نرخ فعالیت کل جمعیت مردان جوان، حدود ۶۱ درصد است. بدین ترتیب از مجموع جمعیت جوان فعال اقتصادی (۸۷۶۱ هزار نفر) ۸۲/۴ درصد آنان مرد و تنها ۱۷/۶ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

■ بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ کل کشور، از مجموع ۲۴۱۰۶ هزار نفر جمعیت فعال کل کشور ۲۰/۹ درصد آنان (۵۰۳۶ هزار نفر) دارای تحصیلات عالی هستند. نسبت جمعیت مردان فعال دارای تحصیلات عالی به کل جمعیت مردان فعال، ۱۶/۱ درصد و نسبت جمعیت زنان فعال دارای تحصیلات عالی به کل جمعیت زنان فعال، ۴۸/۲ درصد است. بنابراین با افزایش سطح تحصیلات، امکان فعالیت اقتصادی برای این گروه از زنان بیشتر فراهم شده است.

تفکیک شغل‌ها به زنانه و مردانه، ضمن ایجاد محدودیت‌هایی در انتخاب شغل، سبب دستمزد کمتر، پرستیژ و تشخیص پایین‌تر و بدون اقتدار این گونه شغل‌ها شده و انگیزه ورود به بازار کار را کاهش می‌دهد. در واقع اصرار بر تخصیص‌های زنانه و مردانه، در بازار کار باز تولید شده و احتمالاً زمینه بیکاری بیشتر دختران تحصیلکرده را فراهم می‌سازد. ورود سهم کمتری از دختران تحصیلکرده به بازار کار، نه به رکود اقتصادی و تعداد محدود فرصت‌های شغلی بلکه مرتبط با تبعیض علیه دختران تحصیلکرده توسط کارفرمایان خصوصی و دولتی است که سبب نرخ فزاینده بیکاری آنها و در نهایت ناامیدی و خروج از بازار کار می‌شود.

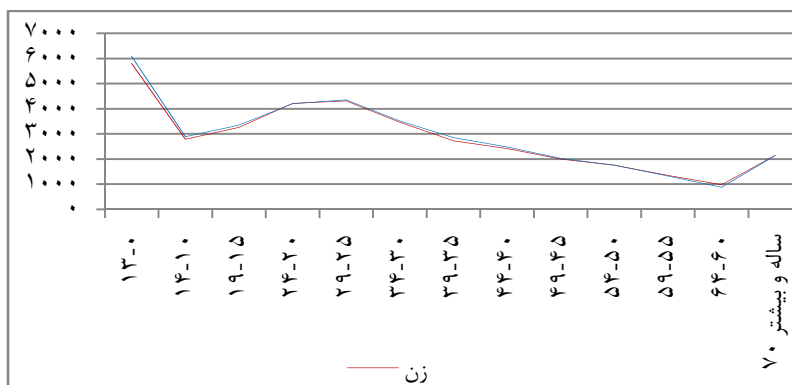
۱. مقدمه

نگاهی به روند تحولات جامعه ایران طی سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی مؤید این واقعیت است که هر چند در طول سه دهه اخیر توسعه کشور ما به واسطه بروز مسائل گوناگون از جمله جنگ تحمیلی و تحریمهای اقتصادی با چالشهای متعددی روبرو بوده است ولی اهداف و آرمانهای محوری آن هرگز دستخوش تغییر نشده و برنامه‌ریزان همواره بر اساس ارزشهای دینی - اعتقادی برای تحقق کامل آنان تلاش نموده‌اند. یکی از هدف‌های والای نظام، برقراری عدالت اجتماعی و رفع کلیه اشکال تبعیض‌های جنسیتی، قومی، نژادی و... است. در همین راستا نیز ارتقاء جایگاه زنان در جامعه و بهبود شاخصهای توسعه انسانی مبتنی بر جنسیت در برنامه‌های توسعه مورد توجه بوده و کلیه دستگاههای دولتی موظف گردیده‌اند تا با همکاری کامل، زمینه بهبود موقعیت زنان را در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی فراهم آورند.

موضوع توان افزایی اقتصادی زنان و در مفهومی مشخص‌تر موضوع ارتقاء وضعیت اشتغال و دسترسی برابر به فرصتهای شغلی، بعنوان یکی از اولویتهای جامعه مورد تأکید قرار داشته است. دیدگاه مجامع بین‌المللی چون سازمان بین‌المللی کار (ILO) نسبت به موضوع اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران و چگونگی اجرای مفاد مقاله نامه بویژه مقاله نامه شماره ۱۱۱ مصوب سال ۱۹۴۵ از یک سو و تغییر شرایط زنان جامعه تحت تأثیر مسائل داخلی و خارجی همچون نیاز اقتصادی خانوارها به درآمد زنان، پدیدار شدن الگوهای رفتاری - اجتماعی متفاوت از گذشته در بین جوانان، به تأخیر انداختن تشکیل خانواده، افزایش میزان حضور زنان در مراکز علمی و تمایل آنان به مشارکت در بازار کار از سوی دیگر، موجبات این امر را

فراهم ساخته که اشتغال زنان از سطح موضوعات فاقد اهمیت به سطح موضوعات کلیدی جامعه تغییر ماهیت یابد. زنان کشور نیمی از جمعیت حدود ۷۹ میلیون نفری را تشکیل می‌دهند که با تأملی بر تحولات پیش آمده در ساختار سنی و توزیع جمعیت، بیشترین تراکم را در گروه‌های سنی جوان (۱۵ تا ۳۰ سال) و سن فعالیت اقتصادی (۱۵ تا ۶۵ سال) می‌توان مشاهده کرد.

نمودار ۱: گروه‌های سنی جمعیت کشور در سال ۱۳۹۰ (هزار نفر)



مأخذ: سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۰

بر اساس نظر جمعیت‌شناسان در فرآیند تحولات جمعیتی، در مرحله‌ای نسبت جمعیت (زنان و مردان) در سن فعالیت (۱۵ تا ۶۵ ساله) افزایش یافته و افراد در سن کار بزرگترین بخش از جمعیت را تشکیل می‌دهند. چنین تحولی سبب می‌گردد تا با جمعیت شاغل بیشتر، وضع اقتصادی خانواده‌ها بهبود یافته، طبقه متوسط گسترش یافته و دولت‌ها بتوانند منابع مالی خود را صرف سرمایه‌گذاری‌های اشتغال‌زا و بلند مدت نمایند. بخش خصوصی نیز از سرمایه‌گذارها و افزایش قدرت خرید خانوارها برخوردار می‌شود. این

مرحله برای رشد سریع اقتصادی هر کشوری بسیار مناسب است.^۱ بدین ترتیب ویژگیهای دوره پنجره جمعیتی یعنی افزایش عرضه نیروی کار، افزایش مشارکت زنان، کاهش نسبت‌های وابستگی (بار تکفل)، تعامل تغییرات ساختار سنی جمعیت با چرخه زندگی تولید و مصرف، افزایش قدرت پس انداز و سرمایه گذاری، توسعه سرمایه انسانی و افزایش کیفیت جمعیت و... فرصت طلایی را برای اثرگذاری مثبت بر رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌کند.

با توجه به افزایش نسبت زنان و مردان در سنین فعالیت و کاهش نسبت‌های وابستگی سنی، کشور ما در سال ۱۳۸۵ وارد مرحله «پنجره جمعیتی» و یا «پنجره فرصت‌ها» شده است. مرحله پنجره فرصت‌ها یک وضعیت موقتی در ساختار جمعیتی کشور است که اندازه و دوره آن به روندهای مرگ و میر در گذشته و باروری و مهاجرت بستگی دارد. بر اساس پیش‌بینی‌های به عمل آمده، پنجره جمعیتی ایران تا سال ۱۴۳۰ ادامه داشته و از آن پس با افزایش جمعیت سالمند نسبت وابستگی مجدداً افزایش خواهد یافت.^۲

در چه شرایطی پنجره جمعیتی، به پنجره فرصت اقتصادی تبدیل می‌شود و چه باید کرد؟ در پاسخ می‌توان گفت که بهره‌برداری از این فرصت طلایی نیازمند فراهم آوردن بسترهای مناسب اقتصادی، اجتماعی، سیاستی و نهادی است. دو بستر مهم برای بهره‌برداری از این فرصت؛ یکی، گسترش فرصت‌های شغلی و وضعیت اشتغال مساعد و دیگری، سرمایه گذاری مطلوب است. از این رو، فرصت‌ها و چالش‌های جمعیتی بیشتر به این وضعیت بر می‌گردد که روندهای جدید تغییرات ساختار سنی جمعیت در

۱. شاملو، نادره، ۲۰۱۴.

۲. پژوهشکده آمار، ۱۳۹۳، صفحه ۵۱.

ایران چگونه مدیریت شود و کدام سیاستهای مناسب طراحی و اجرا گردد. با مدیریت دولت می‌توان زمینه بهره‌برداری از پنجره جمعیتی فرصت را فراهم آورد و ابعاد مختلف توسعه‌ای را بهبود بخشید. اما در مقابل، اگر ضعیف مدیریت شود نه تنها این فرصت از دست خواهد رفت، بلکه با روی دیگر سکه یعنی تهدیدها، چالشها و مسائل آن روبه‌رو خواهیم شد.^۱

در این گزارش با هدف بررسی وضعیت زنان در بازار کار و تغییرات آن در یک دهه اخیر، پس از ارائه تعاریف مفاهیم کلیدی مربوط به عرضه و تقاضای نیروی انسانی بر پایه اسناد مرکز آمار ایران شامل سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن کل کشور در سالهای مختلف، آخرین طرح‌های نمونه‌گیری بازار کار ایران، گزارش‌های پژوهشکده آمار، مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و برخی تحقیقات علمی معتبر؛ مشارکت اقتصادی زنان در بخش دوم گزارش ارائه می‌شود؛ وضعیت اشتغال زنان در گروههای عمده فعالیت، بخش‌های اقتصادی و گروه‌های عمده شغلی، بخش سوم گزارش را تشکیل می‌دهد. با توجه به اهمیت موضوع و دوره «پنجره جمعیتی» و فرصت‌های حاصل از قرار گرفتن کشور در چنین موقعیتی، موضوع جوانان و تحصیلات زنان شاغل با تمرکز بر اشتغال و بیکاری زنان دانش‌آموخته در بخش‌های آخر (۴ و ۵) گزارش ارائه خواهد شد.

۱.۱. تعاریف مفاهیم

■ شاغل

تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع، طبق تعریف کار، حداقل

۱. پژوهشکده آمار، ۱۳۹۳، صفحه ۵۱

یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به طور موقت کارشان را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می‌شوند. شاغلان به طور عمده شامل دو گروه مزد و حقوق بگیران و خود اشتغالان می‌شوند. ترک موقت کار در هفته مرجع با داشتن پیوند رسمی شغلی برای مزد و حقوق بگیران و تداوم کسب و کار برای خود اشتغالان، به عنوان اشتغال محسوب می‌شود. افراد زیر نیز به لحاظ اهمیتی که در فعالیت اقتصادی کشور دارند، شاغل محسوب می‌شوند: - افرادی که بدون مزد برای یکی از اعضای خانوار خود که با وی

نسبت خویشاوندی دارند، کار می‌کنند (کارکنان فامیلی بدون مزد) - کارآموزی که در دوره کارآموزی فعالیتی در ارتباط با فعالیت موسسه محل کارآموزی انجام می‌دهند، یعنی مستقیماً در تولید کالا یا خدمات سهیم هستند، فعالیت آنها «کار» محسوب می‌شود.

- محصلانی که در هفته مرجع مطابق تعریف، کار کرده‌اند. - تمام افرادی که در نیروهای مسلح به صورت کادر دائم یا موقت خدمت می‌کنند (نیروهای مسلح شامل پرسنل کادر، درجه داران و سربازان وظیفه نیروهای نظامی و انتظامی)

■ بیکار

به تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر اطلاق می‌شود که: - در هفته مرجع فاقد کار باشند (دارای اشتغال مزد بگیری یا خود اشتغالی نباشند)

- در هفته مرجع و یا هفته بعد از آن آماده برای کار باشند (برای اشتغال مزدبگیری یا خود اشتغالی آماده باشند)

- در هفته مرجع و سه هفته قبل از آن جویای کار باشند (اقدامات مشخصی را به منظور جستجوی اشتغال مزد بگیری و یا خود اشتغالی به

عمل آورده باشند)

افرادی که به دلیل آغاز به کار در آینده و یا انتظار بازگشت به شغل قبلی جویای کار نبوده ولی فاقد کار و آماده برای کار بوده‌اند نیز بیکار محسوب می‌شوند.

■ وضع شغلی

وضع شغلی شاغلان بر اساس آخرین طبقه بندی بین المللی وضعیت اشتغال (ISCE - ۱۹۹۳) و با توجه به شرایط کشور طبقه بندی شده است و به تفکیک بخش خصوصی (شامل کارفرما، کارکن مستقل، مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی و کارکن فامیلی بدون مزد) و بخش عمومی (شامل مزد و حقوق بگیر بخش عمومی) می‌باشد.

■ جمعیت فعال اقتصادی

تمامی افراد ۱۰ ساله و بیش تر خانوارها که در هفت روز گذشته قبل از مراجعه مأمور آمارگیری شاغل و یا بیکار (جویای کار) بوده اند، جمعیت فعال اقتصادی به شمار می‌آیند.

■ نرخ فعالیت

عبارت است از تعداد جمعیت فعال (شاغل و بیکار) به جمعیت ده ساله و بیشتر.

■ سرپرست خانوار

عضوی از خانوار است که سایر اعضاء او را به این عنوان می‌شناسند. لازم به ذکر است؛ سرپرست خانوار عضوی از خانوار است که معمولاً مسئولیت

تأمین تمام یا بخش عمده‌ای از هزینه‌های خانوار یا تصمیم‌گیری در مورد آن را بر عهده دارد. سرپرست خانوار لزوماً مسن‌ترین عضو خانوار نیست و می‌تواند زن یا مرد باشد و معمولاً بیش از ده سال سن دارد. بدیهی است که در خانوار یک نفره، تنها عضو خانوار، سرپرست خانوار محسوب می‌شود.

■ بخش خصوصی

بخشی از اقتصاد است که هم برای بهره‌های شخصی راه‌اندازی شده است و هم تحت کنترل دولت نیست. برعکس، شرکت‌هایی که بخشی از دولت هستند قسمتی از بخش عمومی به شمار می‌آیند.

■ بخش عمومی

به آن دسته از نهادهایی اطلاق می‌شود که خدمات آنها جنبه عمومی دارد و کالا و خدماتی که تولید می‌کنند به عموم مردم عرضه می‌شود.

۲. مشارک‌های اقتصادی زنان

بر پایه داده‌های رسمی مرکز آمار ایران، تقریباً در چهل سال گذشته، نرخ مشارکت اقتصادی زنان کشور تغییر چندانی نداشته و با افت و خیزهایی، کمی کمتر یا بیشتر از ۱۵ درصد باقی مانده است. تحلیل این داده‌ها را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد که؛ زنان ایران برای ورود به بازار کار و دستیابی به یک شغل مناسب با مشکلات جدی مواجه هستند.

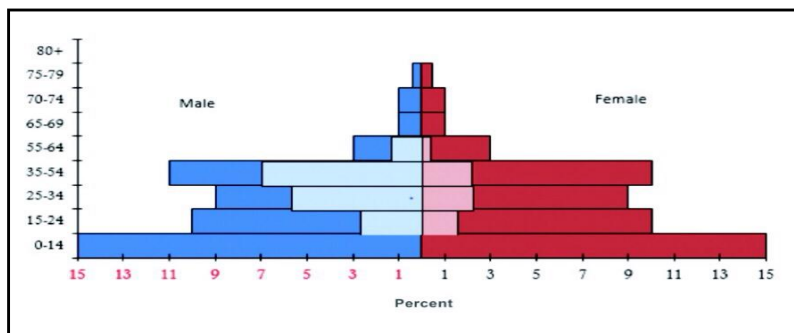
مشارکت نیروی کار مردان در ایران در دهه هشتاد حول و حوش ۶۵ درصد و مشارکت زنان بین ۱۵ تا ۱۹ درصد در نوسان بوده است. در شرایطی که مشارکت نیروی کار مردان بسیار بیشتر از زنان (در حد ۵ تا ۶ برابر) بوده، میزان بیکاری زنان تقریباً همواره دو برابر مردان گزارش شده

است. بدین ترتیب از حدود ۲۵ میلیون نفر زن در سن فعالیت کشور (۱۵ تا ۶۵ سال) کمتر از ۴ میلیون نفر در بازار کار حضور یافته‌اند و تغییرات پیش آمده در سالهای اخیر در جهت کاهش تعداد زنان در بازار کار عمل کرده است. گرچه تغییراتی در کیفیت اشتغال زنان یعنی جایگزینی کم سوادان با دختران تحصیلکرده را در ترکیب جمعیت زنان شاغل می‌توان مشاهده کرد. بنابراین افزایش اشتغال در میان گروههای خاصی از زنان را می‌توان ناشی از عوامل زیر دانست:

- افزایش سطح تحصیلی زنان و پذیرش دختران در دانشگاه
 - تحولات جامعه و کمرنگ‌تر شدن موانع فرهنگی
 - کاهش نرخ رشد جمعیت
 - تورم و ضرورت کمک به تأمین معاش خانواده
- به طور کلی از جمعیت در سن کار ایران تنها بخش کوچکی از نظر اقتصادی فعال هستند و نسبت وابستگی^۱ با رقم ۳/۲ در کشور ما بار تکفل بزرگی است که یکی از دلایل عمده آن، تعداد اندک زنان در نیروی کار است.

۱. نسبت وابستگی = تعداد نیروی کار غیر فعال به نیروی کار فعال

نمودار ۲. گروه‌های سنی و نیروی کار ایران در سال ۱۳۸۶^۱

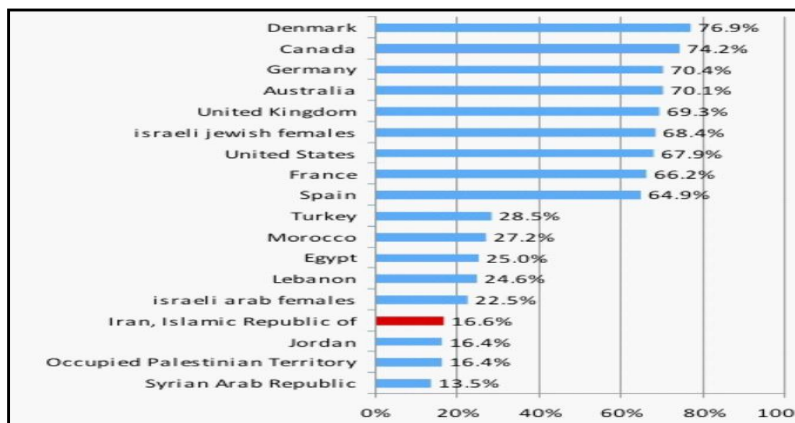


۲.۱. زنان فعال اقتصادی

در اینکه زنان در جامعه و همچنین زندگی اقتصادی مهم‌ترین نقش را دارند، همیشه اتفاق نظر وجود داشته است. اما بر کمیت و کیفیت نقش آنها علاوه بر نظام اقتصادی، عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز مؤثر بوده است. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته نزدیک به ۷۰ درصد از زنان، فعال اقتصادی هستند و در بازار کار مشارکت دارند. در حالیکه میزان فعالیت اقتصادی زنان در کشورهای در حال توسعه کمتر و زنان ایران در میان کشورهای اسلامی و غیر اسلامی یکی از پائین‌ترین نرخ‌های مشارکت اقتصادی را دارند.

۱. سایه‌های کم رنگ نشان‌دهنده سهم زنان و مردان در نیروی کار است.

نمودار ۳. نرخ مشارکت اقتصادی زنان در میان کشورهای جهان



مأخذ: شادی طلب، نخعی، ۱۳۹۴

میزان مشارکت اقتصادی افراد در جامعه عبارت از نسبت کل جمعیت در سن فعالیت اقتصادی به کل جمعیت (همه سنین) است و محدوده سنی برای جمعیت فعال اقتصادی سن ۱۵ تا ۶۵ سال است. بر اساس قوانین بین المللی به کارگیری افراد زیر پانزده سال، کار کودکان تلقی شده و منع قانونی دارد.

جدول ۱. تعداد شاغلان و بیکاران به تفکیک جنس در سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ (هزار نفر)

		سال				
		۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸
کل	شاغل	۲۱۳۴۶	۲۰۶۲۸	۲۰۵۱۰	۲۰۶۵۶	۲۱۰۰۰
	سهم	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بیکار	تعداد	۲۴۸۸	۲۸۴۸	۲۸۷۷	۳۲۱۸	۲۸۳۹
	سهم	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
زن	شاغل	۳۱۴۵	۳۴۴۷	۳۱۳۷	۳۴۵۷	۳۶۶۶
	سهم	۱۴/۷	۱۶/۷	۱۵/۳	۱۶/۷	۱۷/۵
مرد	تعداد	۱۸۲۰۰	۱۷۱۸۱	۱۷۳۷۳	۱۷۱۹۹	۱۷۳۳۴
	سهم	۸۵/۳	۸۳/۳	۸۴/۷	۳۸/۳	۸۲/۵
زن	بیکار	۷۷۴	۸۴۳	۸۳۰	۸۹۲	۷۴۱
	سهم	۳۱/۱	۲۹/۶	۲۸/۹	۲۷/۷	۲۶/۱
مرد	تعداد	۱۷۱۳	۲۰۰۴	۲۰۴۶	۲۳۲۵	۲۰۹۸
	سهم	۶۸/۹	۷۰/۴	۷۱/۱	۷۳/۳	۷۳/۹
شکاف جنسیتی اشتغال		۸۲/۷	۷۹/۹	۸۱/۹	۷۹/۹	۷۸/۸
شکاف جنسیتی بیکاری		۵۴/۸	۵۷/۹	۵۹/۴	۶۱/۶	۶۴/۶

مأخذ: مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور سال ۱۳۷۵، تعداد جمعیت فعال بالغ بر ۱۲۷۸۴ هزار نفر بوده که از این تعداد معادل ۸۷/۳ درصد آنان، مرد و ۱۲/۷ درصد آنان را زنان تشکیل می‌داده‌اند. این نسبت تا سال ۱۳۹۰ با نوساناتی جزئی، به سمت افزایش سهم زنان فعال در کل جمعیت فعال کشور سوق یافته است. سال ۱۳۹۲، ۸۵/۳ درصد جمعیت فعال کشور را مردان و ۱۴/۷ درصد زنان بوده‌اند. نسبت جمعیت مردان فعال به زنان فعال از نظر اقتصادی، حدود (۶ برابر) می‌باشد. به طوری که بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد زنان فعال، ۳۵۷۵ هزار نفر و تعداد مردان فعال، ۲۰۵۳۲ هزار نفر گزارش شده است.

جدول ۲: توزیع نسبی جمعیت فعال^۱ کل کشور بر حسب جنس در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۲

سال	مرد	زن	زن و مرد
۱۳۷۵	۸۷/۳	۱۲/۷	۱۰۰
۱۳۸۵	۸۴/۵	۱۵/۵	۱۰۰
۱۳۹۰	۸۵/۲	۱۴/۸	۱۰۰
۱۳۹۲	۸۵/۳	۱۴/۷	۱۰۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰؛ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ۱۳۹۲

■ نرخ فعالیت

بررسی نرخ فعالیت^۲ جمعیت ۱۰ سال به بالای کل کشور برای زنان و مردان بیانگر این واقعیت است که طی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۹۲ نرخ فعالیت مردان با نوسانات اندکی از ۶۰/۸ درصد به ۶۲/۱ درصد و نرخ فعالیت زنان که در سال ۱۳۷۵، ۹/۱ درصد بوده است به ۱۶/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته و سپس در سالهای بعد روند نزولی به خود گرفته، تا این که در سال ۱۳۹۲ به ۱۱/۲ رسیده است. بدین ترتیب می توان عنوان نمود که طی یک دهه گذشته نرخ فعالیت زنان تغییر چندانی نکرده و نرخ فعالیت مردان همواره ۵ تا ۶ برابر نرخ فعالیت زنان بوده است.

۱. توزیع نسبی جمعیت فعال عبارت است از تعداد جمعیت فعال (مرد یا زن) به کل جمعیت فعال مرد یا زن ضربدر ۱۰۰
 ۲. نرخ فعالیت عبارت است از تعداد جمعیت فعال (شاغل و بیکار) به کل جمعیت ده ساله و بیشتر ضربدر ۱۰۰

جدول ۳: نرخ جمعیت ۱۰ سال به بالای کل کشور به تفکیک جنس طی سالهای ۹۲-۱۳۷۵

سال	مرد	زن
۱۳۷۵	۶۰/۸	۹/۱
۱۳۸۵	۶۳/۹	۱۶/۴
۱۳۹۰	۶۰/۷	۱۲/۶
^۱ ۱۳۹۲	۶۲/۱	۱۱/۲

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰؛ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ۱۳۹۲

۲.۲. فعالان غیر اقتصادی

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، از مجموع جمعیت زنان ده سال به بالای کشور، ۱۸/۹ درصد محصل، ۳/۶ درصد دارای درآمد بدون کار و ۶۰ درصد آنان را زنان خانه دار تشکیل داده‌اند. به عبارت دیگر حدود ۸۷ درصد از جمعیت زنان کشور، به لحاظ اقتصادی، غیر فعال محسوب شده‌اند. تغییرات ناچیز جمعیت فعال زنان و روند نزولی آن در طی سه دهه اخیر، عمدتاً تحت تأثیر شرایط اقتصادی و عوامل فرهنگی بوده که بخشی از آن نیز به دلیل روی آوردن بیشتر زنان به ادامه تحصیل در مقاطع عالی‌تر است.

مقایسه سهم ۶۰ درصدی زنان خانه دار در سال ۱۳۹۰ با یافته‌های سرشماری‌های قبل حاکی از نوساناتی در نسبت زنان خانه دار است به طوری که نسبت زنان خانه دار در یک روند کاهش یابنده از ۵۸/۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۵۴/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است و مجدداً در سال ۱۳۹۰، ۵ درصد افزایش یافته است.

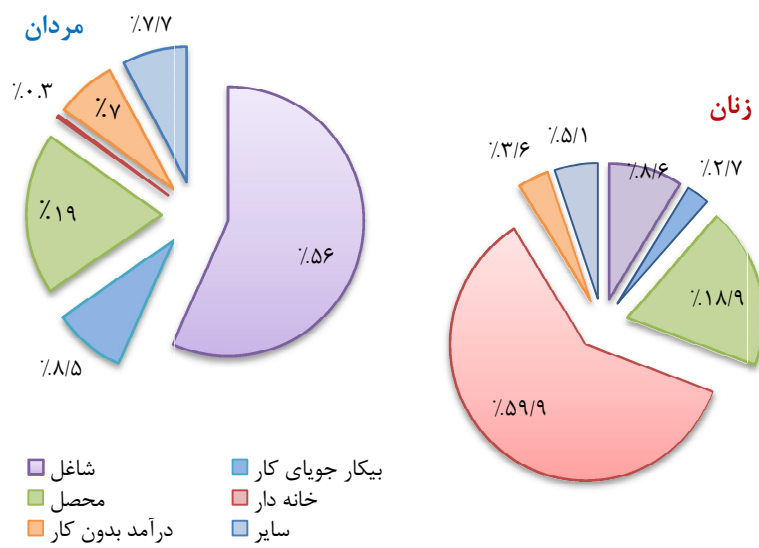
زنان خانه دار که بزرگترین سهم را در کل جمعیت زنان کشور دارند، جزء جمعیت فعال اقتصادی محسوب نمی‌شوند و بدین ترتیب از یک سو

۱. مرکز آمار ایران طرح نمونه‌گیری از شاخص‌های بازار کار (سال ۱۳۹۲)

۴۶ زنان در بازار کار

نتایج فعالیتهای آنها در خانه در تولید ناخالص ملی محاسبه نمی‌شود و از سوی دیگر ممکن است جمعیت آنها با جمعیت زنانی که به دلیل بیکاری خانه نشین شده‌اند، تداخل داشته باشد.

نمودار ۴: توزیع نسبی جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر زنان و مردان بر حسب وضع فعالیت، ۱۳۹۰



مأخذ: سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۰

گزارش وضعیت زنان ۴۷

جدول ۴: جمعیت ۱۰ ساله و بیش تر بر حسب جنس و وضع فعالیت: در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ (هزار نفر)

جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی	جمعیت فعال از نظر اقتصادی			جمعیت ۱۰ ساله و بیش تر		
	جمع	بیکار(جویای کار)	شاغل		جمع	مرد
۸۶۹۸	۱۱۸۴	۱۲۸۰۶	۱۳۹۹۰	۲۳۰۲۲	مرد	۷۵ سال
۲۰۱۳۴	۳۷۲	۱۷۶۵	۲۰۳۷	۲۲۳۷۹	زن	
۱۰۱۷۹	۲۱۴۵	۱۷۶۹۵	۱۹۸۴۰	۳۰۲۴۴	مرد	۸۵ سال
۲۵۳۵۸	۸۴۷	۲۷۸۲	۳۶۲۹	۲۹۲۸۸	زن	
۱۰۹۴۹	۲۶۹۶	۱۷۸۳۵	۲۰۵۳۲	۳۱۸۰۵	مرد	۹۰ سال
۲۷۵۴۲	۸۶۴	۲۷۱۲	۳۵۷۵	۳۱۴۳۶	زن	

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

جدول ۵: سهم جمعیت ۱۰ ساله و بیش تر بر حسب جنس و وضع فعالیت: در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰

جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی	جمعیت فعال از نظر اقتصادی			جمعیت ۱۰ ساله و بیش تر		
	جمع	بیکار(جویای کار)	شاغل		جمع	مرد
۳۷/۸	۵/۱	۵۵/۶	۶۰/۷	۲۳۰۲۲	مرد	۷۵ سال
۸۹/۹	۱/۲	۷/۹	۹/۱	۲۲۳۷۹	زن	
۳۳/۶	۷/۱	۵۸/۵	۶۵/۶	۳۰۲۴۴	مرد	۸۵ سال
۸۶/۶	۲/۹	۹/۵	۱۲/۴	۲۹۲۸۸	زن	
۳۴/۴	۸/۵	۵۶/۱	۶۴/۶	۳۱۸۰۵	مرد	۹۰ سال
۸۷/۶	۲/۷	۸/۶	۱۱/۳	۳۱۴۳۶	زن	

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

۳. اشتغال و بیکاری

بررسی نرخ اشتغال و بیکاری جمعیت فعال کل کشور در سالهای ۱۳۹۲-۱۳۷۵ حاکی از آن است که همواره نرخ اشتغال زنان بسیار کمتر از نرخ اشتغال مردان بوده است و علیرغم آنکه در برخی از دوره‌های زمانی، فاصله بین نرخ اشتغال دو جنس، اندکی کاهش یافته است، در حال حاضر تفاوت بین میزان نرخ اشتغال زنان و مردان افزایشی است. بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۲، نرخ اشتغال مردان ۹۱/۵ درصد و نرخ اشتغال زنان ۷۹/۷ درصد گزارش شده است.

جدول ۶: نرخ اشتغال و بیکاری زنان و مردان در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۲

نرخ اشتغال و بیکاری جنس		نرخ اشتغال ^۱		نرخ بیکاری ^۲	
		مرد	زن	مرد	زن
۱۳۷۵		۹۱/۵	۸۶/۶	۸/۵	۱۳/۴
۱۳۸۵		۸۹/۲	۷۶/۷	۱۰/۸	۲۳/۳
۱۳۹۰		۸۶/۹	۷۵/۹	۱۳/۱	۲۴/۲
۱۳۹۲		۹۱/۵	۷۹/۷	۸/۶	۱۹/۸

مأخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار ۱۳۹۲

۳.۱. جابجایی زنان از فعال اقتصادی به غیر فعال

بر اساس نتایج سرشماریهای کشور، تعداد زنان غیر فعال اقتصادی ۱۰ ساله و بیشتر که در سال ۱۳۷۵ حدود ۲۰۱۲۴ هزار نفر بوده در سال ۱۳۸۵ به ۲۵۳۵۸ هزار نفر و در سال ۱۳۹۰ به ۲۷۵۴۲ هزار نفر افزایش یافته است. در

۱. نرخ اشتغال عبارت است از تعداد جمعیت شاغل به کل جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضربدر ۱۰۰

۲. نرخ بیکاری عبارت است از تعداد جمعیت بیکار به کل جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضربدر ۱۰۰

همین دوران ۱۵ ساله تعداد زنان شاغل از ۱۷۶۵ به ۲۷۱۲ هزار نفر و تعداد بیکاران از ۲۷۲ به ۸۶۴ هزار نفر افزایش یافته است؛ بنابراین تعداد شاغلین، کمتر از ۴۰ درصد افزایش یافته ولی تعداد بیکاران، تقریباً سه برابر شده است.

مقایسه تعداد زنان شاغل در سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ حاکی از کاهش تعداد زنان فعال اقتصادی (از ۳۶۲۹ به ۳۵۷۵ هزار نفر) و تعداد بیکاران روند افزایشی خود را ولی با سرعتی کمتر حفظ کرده است.^۱

بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کشور، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گزارش می‌کند^۲ که در پنجسال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ از تعداد زنان شاغل ۵۲۱ هزار نفر کاسته شده است (از حدود ۳۷۰۰ به ۳۱۴۵ هزار نفر). این فرآیند سبب گردیده که نسبت جنسی اشتغال از ۱۰۰ زن در مقابل ۴۷۳ مرد شاغل به ۱۰۰ زن در مقابل ۵۷۹ مرد شاغل برسد.

داده‌های طرح آمارگیری نیروی کار در مورد تعداد زنان بیکار، روندی مشابه سرشماری را گزارش می‌کند. به طوری که تعداد زنان بیکار در دوره پنجساله ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ از رقم نزدیک به ۷۴۲ هزار نفر به ۷۷۵ هزار نفر افزایش یافته است که در نتیجه نرخ بیکاری زنان از ۱۶/۸ درصد به ۱۹/۸ بالغ گشته است.

۳.۲. تحولات اشتغال زنان در بخش‌های عمده اقتصادی

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن طی دهه‌های گذشته، الگوی توزیع نسبی جمعیت زنان و مردان شاغل در بخش‌های عمده

۱. داده‌های سرشماریهای مرکز آمار ایران با نتایج طرح آمارگیری نیروی کار کشور همواره متفاوت بوده، ولی روندهای مشابهی را نشان می‌دهد.

۲. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دی ماه ۱۳۹۳

اقتصادی، در حال تغییر بوده است. در سال ۱۳۷۵ حدود ۲۴ درصد از مردان و ۱۷ درصد زنان در بخش کشاورزی، ۳۰/۲ درصد مردان و ۳۴/۵ درصد از زنان در بخش صنعت و ۴۵/۹ درصد مردان و ۴۸/۸ درصد زنان در بخش خدمات شاغل بوده‌اند. بررسی توزیع شاغلین در بخش‌های عمده اقتصادی در سال ۱۳۹۲، بیانگر این موضوع است که در حال حاضر از سهم زنان در بخش کشاورزی همانند مردان کاسته شده و بیش از نیمی از جمعیت زنان در بخش خدمات فعالیت می‌نمایند. توزیع کلی جمعیت شاغل در بخش‌های اقتصادی (زنان و مردان)، به ترتیب خدمات، صنعت و کشاورزی است.

جدول ۷: توزیع نسبی زنان و مردان شاغل در بخش‌های عمده اقتصادی در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۲

زن				مرد				گروه‌های عمده فعالیت اقتصادی
۱۳۹۲	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۹۲	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	
۲۲/۴	۲۵/۲	۳۰/۹	۱۶/۷	۱۷/۵	۱۷/۶	۲۱/۳	۲۳/۹	کشاورزی
۲۵	۲۵/۴	۳۱/۷	۳۴/۵	۳۵/۹	۳۵/۲	۳۱/۷	۳۰/۲	صنعت
۵۱/۶	۴۹/۴	۳۷/۳	۴۸/۸	۴۶/۶	۴۷/۱	۴۷	۴۵/۹	خدمات
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل

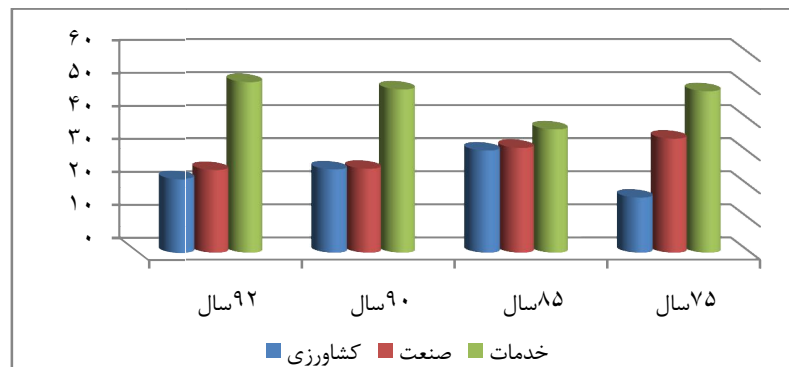
مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰؛ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۲

پژوهشی با عنوان «بررسی روند اشتغال زنان در مقایسه با مردان و عوامل موثر بر سهم اشتغال زنان در بخش صنعت ایران»^۱ گزارش می‌کند که «صنایع مواد غذایی و آشامیدنی» و «تولید منسوجات» نسبت به سایر صنایع دارای بیشترین تعداد کارکنان زن بوده است، بیشترین رشد نسبی شاغلان زن در صنعت «انتشار، چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده» صورت گرفته است. همچنین نتایج این تحقیق حاکی از آن است که شاغلان زن در قسمت غیر تولیدی بیشترین سهم و شاغلان زن تکنسین و مهندس کمترین سهم

(اغلب کمتر از ده درصد) اشتغال زنان را در بیشتر صنایع ایران به خود اختصاص داده‌اند.

زنانی که در بخش‌های صنعتی کار می‌کنند، اندک هستند و عدم اشتغال آنها در صنایع ساختمان، معدن و آب و برق بسیار محسوس است. تولیدی بیشترین سهم و شاغلان زن تکنسین و مهندسین، کمترین سهم (اغلب کمتر از ده درصد) اشتغال زنان را در بیشتر صنایع ایران به خود اختصاص داده‌اند. همواره سهم اشتغال زنان در بخش خدمات بزرگتر از سایر بخش‌های اقتصادی بوده است و این امر ناشی از تمرکز زنان شاغل در فعالیت‌های محدودی است که بیشتر شغل‌های «زنانه» تعریف شده‌اند. و این بخش شامل سه زیر بخش (الف) بخش آموزشی شامل معلمان و کارمندان مراکز تربیتی، (ب) بخش درمانی شامل پرستاران، ماماها و پزشکان و (ج) خدمات اداری شامل شاغلان اداری و منشی‌ها و... است که جامعه غالباً آنها را مناسب حال زنان می‌داند.

نمودار ۵: زنان شاغل (۱۰ ساله و بیشتر) در بخش‌های عمده اقتصادی در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۲



مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰؛ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۲
به طور خلاصه، تغییراتی که در اشتغال زنان در بخش‌های اقتصادی به وقوع

پیوسته است سبب شده تا کشاورزی و صنعت به تدریج سهم کمتری از اشتغال زنان را به خود اختصاص دهند و در مقابل سهم بزرگتری از زنان در حوزه خدمات مشغول به کار شده‌اند. از جمله دلایل این تغییرات علاوه بر غلبه نگرش‌های فرهنگی درباره شغل‌های مناسب زنان، به مهاجرت، گسترش شهرنشینی و تنوع بیشتر فعالیتهای خدماتی می‌توان اشاره کرد. همچنین کاهش سهم شاغلان بخش کشاورزی، می‌تواند تا حد زیادی ناشی از مکانیزه شدن فعالیتهای کشاورزی در برخی نقاط روستایی یا حاشیه شهرها و مهاجرت نیروی کار از نقاط روستایی به شهرها باشد.

۳.۳. گروههای عمده شغلی زنان

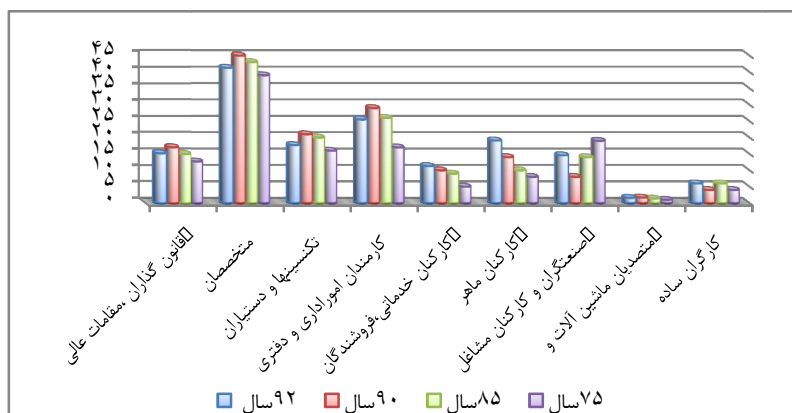
در سال ۱۳۷۵ فقط ۱۲/۷ درصد از زنان فعال اقتصادی در کارهای قانون گذاری، مقامات عالی رتبه و مدیران مشغول فعالیت بوده‌اند. این نسبت در سال ۱۳۸۵ به ۱۵ درصد و در سال ۱۳۹۰ به ۱۷ درصد افزایش یافته است. این امر نشانه رشد بسیار کند و عدم موفقیت چشمگیر زنان در دست یابی به مشاغل مدیریتی و عالی رتبه بوده است.

جدول ۸: نسبت شاغلان ۱۰ ساله و بیش تر بر حسب گروههای عمده شغلی

شرح	نسبت شاغلان ۱۰ ساله و بیش تر بر حسب گروههای عمده شغلی							
	سال ۷۵	سال ۸۵	سال ۹۰	سال ۹۲	سال ۷۵	سال ۸۵	سال ۹۰	سال ۹۲
کارگران ساده	۱	۱/۴	۱/۷	۱۶	۴	۶	۴	۹۴
مصدیان ماشین آلات و دستگاهها، مونتاژ کارها و رانندگان وسایل نقلیه	۱۹	۱۴	۸	۱۴/۶	۹۶	۹۴	۹۸/۵	۹۶
صنغران و کارکنان مشاغل مربوط	۸	۱۰	۱۴	۱۹/۱	۹۲	۹۰	۸۶	۸۶
کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری	۵	۹	۱۰	۱۱/۳	۹۵	۹۱	۹۰	۸۸/۷
خدماتی، فروشندگان، فروشگاهها و بازارها	۱۷	۲۶	۲۹	۲۵/۵	۸۳	۷۴	۷۱	۷۴/۵
کارمندان امورداری و دفتری	۱۶	۲۰	۲۱	۱۷/۷	۸۴	۸۰	۷۹	۸۲/۳
تکنسینها و دستیاران	۳۹	۴۳	۴۵	۴۱/۳	۶۱	۵۷	۵۵	۵۸/۷
منخصصان	۱۲/۷	۱۵	۱۷	۱۵/۲	۸۷	۸۵	۸۳	۸۴/۸
قانون گذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران								

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰؛ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۲

نمودار ۶: زنان شاغل بر حسب گروههای عمده شغلی در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰



مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

بر اساس اطلاعات سالنامه‌های آماری کشور، از مجموع ۷۴۶ هزار نفر شاغلی که جزء گروه شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران در سال ۱۳۹۰ طبقه بندی شده اند، ۱۲۶ هزار نفر را زنان تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر زنان در دو دهه اخیر با موفقیت‌هایی که در ورود به دانشگاه‌ها بدست آورده‌اند و با رشد چشمگیری که در کسب مدارج علمی داشته‌اند فقط توانسته‌اند ۱۷ درصد از سمتهای مدیریتی، قانونگذاری و مقامات عالی رتبه را در سال ۱۳۹۰ به دست بیاورند.

گرچه زنان در تمام گروههای عمده شغلی، نسبتی به مراتب کمتر از مردان را به خود اختصاص داده‌اند؛ اما در میان جمعیت متخصصان، نسبت زنان در مقایسه با مردان قابل توجه است. در نتیجه به دلیل تحصیلات بیشتر زنان، تغییراتی نیز در اشتغال آنان در گروههای عمده شغلی در جهت ارتقاء موقعیت زنان رخ داده است. سهم زنان از کل قانون گذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران حدود ۵ درصد افزایش یافته است. مشابه همین روند در گروه متخصصان رخ داده و با افزایش سهم زنان از ۳۹ به ۴۵ درصد در کل متخصصان شاغل، به همین مقدار از سهم مردان کاهش یافته است. افزایش سهم حدود ۴ تا ۶ درصدی در این دو گروه ناشی از ارتقاء سطح تحصیلات زنان و مشارکت بیشتر آنها در مشاغل تخصصی است. بنابراین گرچه از تعداد زنان شاغل در طی سالهای اخیر کاسته شده، اما زنان دانش آموخته در دستیابی به شغل‌هایی با موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی بالاتر، موفق عمل کرده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که افزایش تحصیلات عالی زنان، احتمال یافتن شغل در بازار کار را برای آنان بالا می‌برد. نرخ بالای بیکاری زنان از جمله انگیزه‌هایی است که زنان را به کسب تحصیلات عالی سوق داده است و افزایش تحصیلات علاوه بر اینکه فرصتهای اشتغال برای زنان را افزایش می‌دهد، موجب بالا رفتن سطح دستمزد آنها در بازار کار نیز می‌شود.

۳.۴. ظرفیت بخش‌های عمومی و خصوصی در جذب زنان شاغل

اطلاعات موجود نشان می‌دهد که سهم زنان شاغل در بخش خصوصی همواره پائین‌تر از بخش عمومی بوده و فقط حدود یک سوم از زنان شاغل بخش عمومی جذب شده‌اند (۳۰ تا ۳۵ درصد).

در طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ سهم زنان در بخش خصوصی از ۵۵/۵ به حدود ۵۹ درصد افزایش یافته و در ترکیب این سهم، بزرگترین رقم در گروه شغلی مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی با حدود ۲۶ درصد در سال ۱۳۹۰ است. سپس زنان کارکن مستقل با حدود ۲۱ درصد قرار دارند. سهم زنان کارفرما از کمی کمتر از یک درصد به ۱/۵ درصد پس از پانزده سال افزایش یافته است. در همین دوره، سهم زنان به عنوان کارکن فامیلی بدون مزد ۵۰ درصد کاهش یافته و از حدود ۲۱ درصد به ۱۱ درصد رسیده است. بدین ترتیب زنان شاغل در بخش خصوصی یا خود اشتغال (کارکن مستقل)، کارکنان بدون مزد هستند و یا مزد و حقوق بگیر. چنین توزیعی از زنان شاغل در بخش خصوصی، علاوه بر مسئله دستمزد و درآمد آنها، موضوع امنیت شغلی و برخورداری آنها از پوشش‌های بیمه اجتماعی را به موضوعی بسیار حائز اهمیت تبدیل می‌کند.

در شرایط کنونی به نظر می‌رسد که زنان در بخش خصوصی نه در مشاغل کارفرمایی و مدیریت اقتصادی بلکه بیشتر در شغل‌هایی بدون امنیت شغلی و درآمدی و بدون پوشش قانون کار و تأمین اجتماعی متمرکز شده‌اند.

جدول ۹. شاغلان ده ساله و بیشتر به تفکیک وضع شغلی در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰

بخش عمومی	بخش خصوصی					سال	
	مزد و حقوق بگیر	کارکن فامیلی بدون مزد	مزد و حقوق بگیر	کارکن مستقل	کارفرمایان		
۱۳۷۵	۶۹۸	۳۶۷	۲۵۰	۳۴۷	۱۶	۹۸۰	زن
	۳۵۶۰	۴۳۱	۳۰۲۱	۴۸۵۲	۵۱۱	۸۸۱۴	مرد
۱۳۸۵	۱۰۳۹	۳۱۳	۶۲۵	۶۰۹	۱۱۳	۱۶۶۱	زن
	۳۹۸۶	۳۷۰	۴۸۵۹	۶۷۵۷	۱۴۱۷	۱۳۴۰۴	مرد
۱۳۹۰	۹۵۴	۲۹۱	۷۰۵	۵۶۰	۳۸	۱۵۹۳	زن
	۳۳۶۸	۵۷۰	۵۵۸۸	۶۷۷۴	۷۳۱	۱۳۶۶۳	مرد

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

جدول ۱۰. توزیع نسبی شاغلان ده ساله و بیشتر به تفکیک وضع شغلی در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰

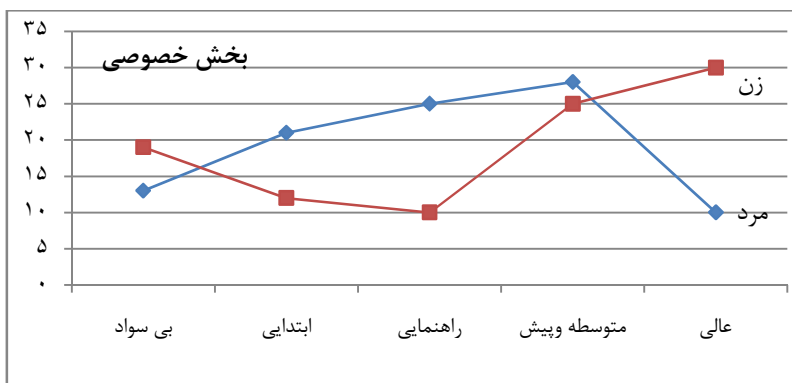
بخش عمومی	بخش خصوصی					سال	
	مزد و حقوق بگیر	کارکن فامیلی بدون مزد	مزد و حقوق بگیر	کارکن مستقل	کارفرمایان		
۱۳۷۵	۳۹/۵	۲۰/۸	۱۴/۲	۱۹/۷	۰/۹	۵۵/۵	زن
	۲۷/۸	۳/۴	۲۳/۶	۳۷/۹	۳/۴	۶۸/۸	مرد
۱۳۸۵	۳۷/۳	۱۱/۳	۲۲/۵	۲۱/۹	۴	۵۹/۷	زن
	۲۲/۵	۲/۱	۲۷/۵	۳۸/۲	۸	۷۵/۸	مرد
۱۳۹۰	۳۵	۱۰/۷	۲۶	۲۰/۶	۱/۴	۵۸/۷	زن
	۱۸/۹	۳/۲	۳۱/۳	۳۸	۴	۷۸/۶	مرد

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

با توجه به ارتقاء سطح آموزش زنان و دستیابی آنان به تحصیلات عالی، توزیع زنان شاغل در دو بخش عمومی و خصوصی و مقایسه وضعیت شغلی آنها با مردان نشان دهنده کیفیت نیروی انسانی زنان در هر دو بخش است. زنان دانش آموخته توانسته‌اند از فرصت‌های شغلی هر دو بخش بیشتر برخوردار شوند.

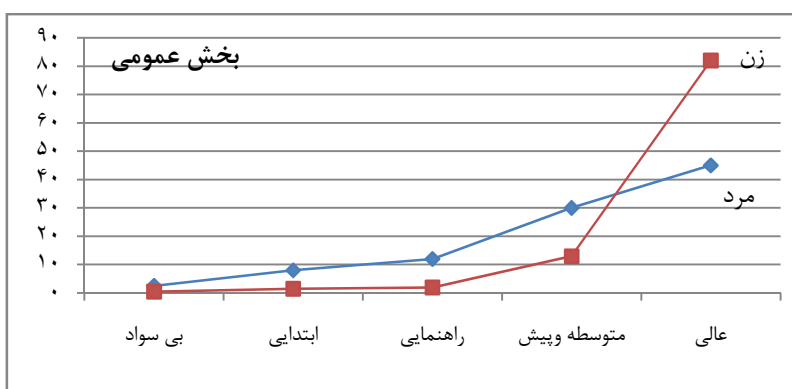
گزارش وضعیت زنان ۵۷

نمودار ۷: توزیع شاغلین زن و مرد در بخش خصوصی بر اساس سطح سواد در سال ۱۳۹۰



مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

نمودار ۸: توزیع شاغلین زن و مرد در بخش عمومی بر اساس سطح سواد در سال ۱۳۹۰



مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

۴. وضع فعالیت جمعیت جوان ۱۵ تا ۲۹ سال

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ تعداد جمعیت زنان و مردان جوان کل کشور به ترتیب ۱۱۷۹۱ هزار و ۱۱۹۰۴ هزار نفر است. این تعداد شامل ۳۷/۵ درصد کل جمعیت زنان و ۳۷/۴ درصد کل جمعیت مردان است. از مجموع ۱۱۷۹۱ دختر جوان کشور، تنها ۱۳ درصد آنان به لحاظ اقتصادی فعال محسوب می‌گردند. حال آنکه نرخ فعالیت کل جمعیت مردان جوان، حدود ۶۱ درصد است. بدین ترتیب از مجموع جمعیت جوان فعال اقتصادی (۸۷۶۱ هزار نفر) ۸۲/۴ درصد آنان مرد و تنها ۱۷/۶ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. بین نرخ فعالیت اقتصادی زنان و مردان جوان کشور تفاوت بارزی وجود دارد و درصد بزرگی از زنان جوان کشور (۸۵/۷ درصد) از نظر اقتصادی غیر فعال هستند.

علیرغم پایین بودن نرخ فعالیت اقتصادی دختران جوان، به دلیل بالا بودن حجم جمعیت جوانان کشور (اعم از زنان و مردان)، در حدود ۴۳ درصد کل جمعیت زنان فعال کشور را جوانانی تشکیل می‌دهند که در گروه‌های سنی جوان (۱۵ تا ۲۹ سال) واقع گردیده‌اند.

جدول ۱۰: جمعیت جوان (۲۹ - ۱۵ ساله) بر حسب وضعیت فعالیت در سال ۱۳۹۰ (هزار نفر)

شرح	جمع کل	فعال از نظر اقتصادی			غیر فعال از نظر اقتصادی		
		جمع	شاغل	بیکار (جویای کار)	جمع	محصل	خانه‌دار
مرد	۱۱۹۰۴	۷۲۱۷	۵۶۲۳	۱۵۹۴	۴۵۲۶	۳۳۳۸	۶۲
زن	۱۱۷۹۱	۱۵۴۴	۹۱۷	۶۲۷	۱۰۱۰۲	۳۳۲۲	۳۱

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

جدول ۱۱: توزیع نسبی جمعیت جوان (۲۹-۱۵ ساله) بر حسب وضعیت فعالیت در سال ۱۳۹۰ (هزار نفر)

شرح	جمع کل	فعال از نظر اقتصادی			غیر فعال از نظر اقتصادی		
		جمع	شاغل	بیکار (جویای کار)	جمع	محصل	خانه دار
مرد	۱۰۰	۶۰/۶	۴۷/۲	۱۳/۴	۳۸	۲۸	۰/۵
زن	۱۰۰	۱۳/۱	۷/۸	۵/۳	۸۵/۷	۲۸/۲	۵۰/۸
سایر							دارای درآمد بدون کار
							۰/۵
							۰/۲

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

۴.۱. نرخ اشتغال و بیکاری زنان جوان

از جمعیت ۸/۷ میلیون نفر جمعیت فعال، ۶/۵ میلیون نفر شاغل و ۲/۲ میلیون نفر بیکار بوده است. بر این اساس، میزان اشتغال جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله برابر با ۷۵ درصد و میزان بیکاری آنها ۲۵ درصد بوده است. در مقایسه با سایر گروه‌های سنی میزان اشتغال در بین جوانان کمتر و در مقابل میزان بیکاری بیشتر است.

جدول ۱۲: وضعیت فعالیت و اشتغال جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله در سال ۱۳۹۰

وضعیت فعالیت و اشتغال	جمع		مردان		زنان	
	تعداد (هزار نفر)	درصد	تعداد (هزار نفر)	درصد	تعداد (هزار نفر)	درصد
جمعیت فعال	۶۵۳۹	۲۷/۶	۵۶۲۲	۴۷/۲	۹۱۷	۷/۸
	۲/۲۲۰	۹/۴	۱۵۹۳	۱۳/۴	۶۲۶	۵/۳
جمعیت غیر فعال	۶۶۶۱	۲۸/۱	۳۳۳۹	۲۸/۱	۳۳۲۱	۲۸/۲
	۶۰۴۷	۲۵/۵	۶۰	۰/۵	۵۹۸۶	۵۰/۸
	۹۲	۰/۴	۶۱	۰/۵	۳۰	۰/۳
	۱۸۲۶	۷/۷	۱/۰۶۳	۸/۹	۷۶۲	۶/۵
اظهار نشده	۳۰۶	۱/۳	۱۶۱	۱/۴	۱۴۵	۱/۲
کل جمعیت	۲۳۶۹۴	۱۰۰	۱۱۹۰۳	۱۰۰	۱۱۷۹۰	۱۰۰

مأخذ: پژوهشکده آمار، ۱۳۹۲:۵۳

۶۰ زنان در بازار کار

در ترکیب جمعیت جوان فعال اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۰، ۵/۶ میلیون مرد جوان و فقط ۹۱۸ هزار زن جوان شاغل وجود دارد. با توجه به ساختار، یعنی این گروه مردان جوان بیشتر به عنوان صنعتگران و کارکنان مشاغل مرتبط، کارگران ساده و کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری مشغول فعالیت هستند. زنان جوان، بیشتر در مشاغل تخصصی، دفتری و اداری مشغول هستند.

جدول ۱۳. ساختار شغلی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شاغل در سال ۱۳۹۰

کل		ساختار شغلی
زن	مرد	
۲/۶	۱/۶	قانون گذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران
۲۲/۳	۳/۳	متخصصان
۹/۹	۳/۹	تکنسینها و دستیاران
۱۲/۶	۳	کارمندان امور اداری و دفتری
۹/۷	۱۱/۸	کارکنان خدماتی، فروشندگان فروشگاهها و بازارها
۱۸/۲	۱۵/۴	کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری
۱۳/۶	۲۲/۷	صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط
۱/۶	۹/۶	متصدیان ماشین آلات و دستگاهها، مونتاژکارها و رانندگان وسایل نقلیه
۴/۲	۱۹/۶	کارگران ساده
۵/۲	۹/۱	سایر و اظهار نشده
۱۰۰	۱۰۰	کل جمعیت شاغل (هزار نفر)
۹۱۷۵۸۰	۵۶۲۲۲۱۲	

مأخذ: پژوهشکده آمار، ۱۳۹۲:۵۳

۴.۲. عدم تعادل جنسیتی در بازار کار

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ کل کشور، نرخ اشتغال جمعیت مردان و زنان جوان، به ترتیب ۷۹/۹ درصد و ۵۹/۷ درصد است. نرخ بیکاری مردان و زنان جوان نیز به ترتیب، ۲۰/۱ درصد و ۴۰/۳ درصد گزارش شده است.

مقایسه نرخ بیکاری زنان جوان فعال (۴۰/۳ درصد) با نرخ بیکاری کل جمعیت زنان فعال (۲۰/۹ درصد) و همچنین مقایسه نرخ بیکاری مردان جوان فعال (۲۰/۱ درصد) با نرخ بیکاری کل جمعیت مردان فعال (۱۰/۵ درصد) بیانگر این مسئله است که بین نرخ بیکاری زنان و مردان فعال به لحاظ اقتصادی تفاوت چشمگیری وجود دارد و بیکاری دختران جوان دو برابر پسران جوان است.

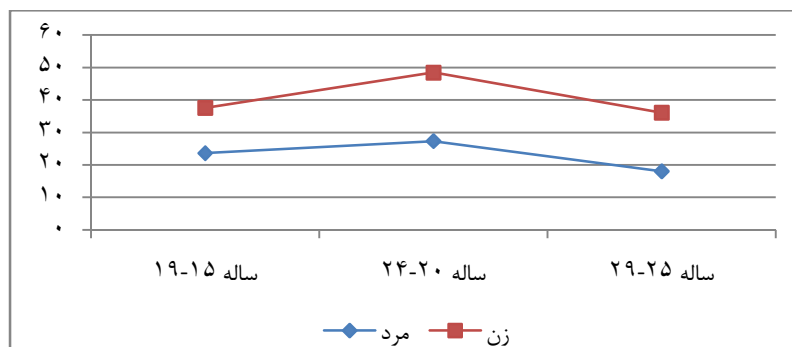
سهم دختران جوان بیکار در کل جمعیت زنان بیکار، نشان‌دهنده اهمیت بیکاری این گروه سنی است. حدود ۷۳ درصد از جمعیت زنان بیکار را دختران جوان بیکار تشکیل می‌دهند. این نسبت در مقایسه با نسبت مردان بیکار جوان به کل مردان بیکار (۵۹ درصد)، نشان‌دهنده حاد بودن موضوع اشتغال دختران جوان نسبت به سایر اقشار است.

جدول ۱۴: نرخ اشتغال و بیکاری جمعیت جوان ۱۵ تا ۲۹ ساله در سال ۱۳۹۰

شرح	نرخ اشتغال		نرخ بیکاری	
	جوانان	جمعیت ۱۰ سال به بالا	جوانان	جمعیت ۱۰ سال به بالا
مرد	۷۹/۹	۸۹/۵	۲۰/۱	۱۰/۵
زن	۵۹/۷	۷۹/۱	۴۰/۳	۲۰/۹
کل	۷۶	۸۵/۲	۲۴	۱۴/۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

نمودار ۹. توزیع گروه‌های سنی بیکاران جوان در سال ۱۳۹۰



مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

میزان بیکاری زنان جوان تقریباً دو برابر مردان جوان است. یعنی نیمی از زنان فعال جوان در دستیابی به یک شغل مناسب موفق نمی‌شوند و این در حالیست که در کل کشور بخش کوچکی از جمعیت زنان، جمعیت فعال اقتصادی بوده و در بازار کار حضور دارند و یا متقاضی ورود به بازار کار هستند.

بدین ترتیب یکی از ویژگیهای بازار کار کشور، عدم تعادل‌های جنسیتی در بازار کار است. نرخ مشارکت پایین زنان جوان و میزان بالاتر نرخ بیکاری زنان جوان در مقایسه با مردان جوان، شاخص‌های بارز این عدم تعادل جنسیتی است.

۵. تحصیلات زنان

بر اساس نتایج سرشماریهای مرکز آمار ایران، وضع سواد شاغلان کشور در دهه‌های اخیر با تغییراتی همراه بوده است. اختلاف زیاد بین باسوادی زنان و مردان و سهم بسیار زیاد زنان بی‌سواد یا کم‌سواد، حاکی از آن است که

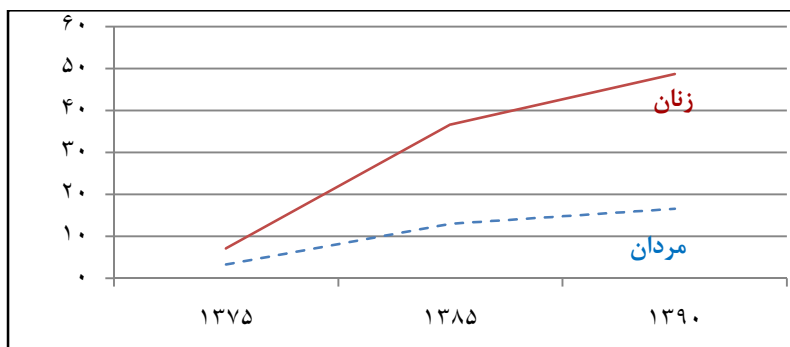
در گذشته‌ها وضعیت تحصیلات زنان می‌توانسته به عنوان مانعی جدی در راه دستیابی زنان به اشتغال عمل کرده باشد. اما نسبت با سواد زنان شاغل از سال ۱۳۷۵ به بعد از نسبت باسواد مردان شاغل پیشی گرفته است. این وضعیت نشان می‌دهد گرچه در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رشد اشتغال زنان کاهش داشته اما زنان شاغل در مقایسه با گذشته و در مقایسه با مردان با سوادتر شده‌اند و علیرغم تمامی موانع اجتماعی و فرهنگی، دختران جوان حضور خود را در مؤسسات آموزش عالی کشور پیوسته پررنگ‌تر کرده‌اند و با تلاش آنان بسیاری از محدودیتهای تحصیلی از سر راه برداشته شده است، گرچه همچنان مشکلاتی در تحقق برابری فرصتهای تحصیلی وجود دارد.

۵.۱. اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ کل کشور، از مجموع ۲۴۱۰۶ هزار نفر جمعیت فعال کل کشور ۲۰/۹ درصد آنان (۵۰۳۶ هزار نفر) دارای تحصیلات عالی هستند. نسبت جمعیت مردان فعال دارای تحصیلات عالی به کل جمعیت مردان فعال، ۱۶/۱ درصد و نسبت جمعیت زنان فعال دارای تحصیلات عالی به کل جمعیت زنان فعال، ۴۸/۲ درصد است. بنابراین با افزایش سطح تحصیلات، امکان فعالیت اقتصادی برای این گروه از زنان بیشتر فراهم شده است.

بررسی نرخ فعالیت اقتصادی جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی به تفکیک جنس نشان می‌دهد که بین نرخ فعالیت اقتصادی زنان و مردان اختلاف زیادی وجود دارد، نرخ فعالیت اقتصادی زنان دارای تحصیلات عالی، ۳۴/۳ درصد و همین نرخ برای مردان، ۶۰/۴ درصد است.

نمودار ۱۰: نسبت دانش آموختگان در کل شاغلین کشور در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰

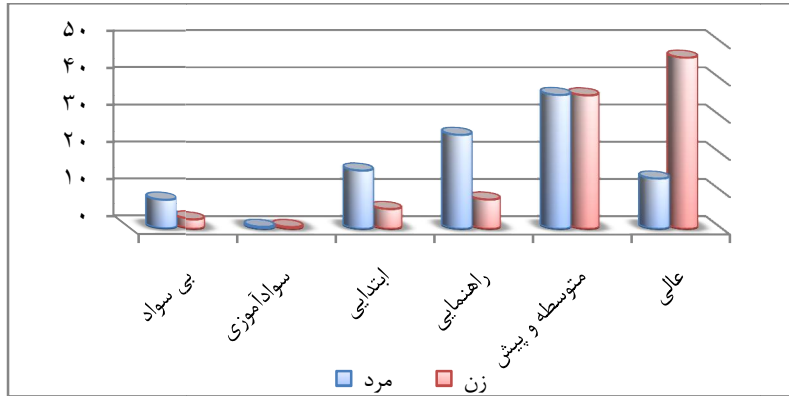


مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

علیرغم آنکه در سالهای اخیر تعداد زنان دارای تحصیلات دیپلم به بالا، رشد چشمگیری داشته، ولی سهم آنان از کل زنان شاغل تغییر نکرده است. به عبارت دیگر، افزایش تقاضای نیروی کار زنان تحصیلکرده، به اندازه افزایش عرضه آن نبوده است. از این رو نرخ بیکاری این گروه از زنان تحصیلکرده، به شدت افزایش یافته است.

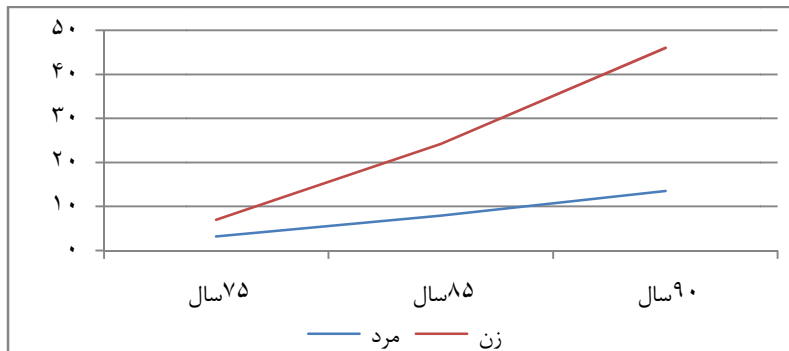
گزارش وضعیت زنان ۶۵

نمودار ۱۱: نسبت جمعیت مردان و زنان بیکار ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب سطح سواد در سال ۱۳۹۰



مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

نمودار ۱۲: روند بیکاری زنان و مردان با تحصیلات عالی در کل جمعیت بیکاران



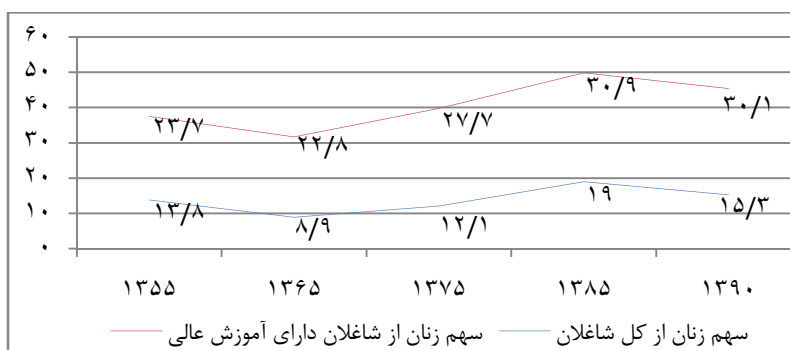
مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

نرخ مشارکت نیروی کار بر حسب سواد حاکی از آن است که بالاترین نرخ مربوط به افراد دارای سواد عالی است. این نرخ برای مردان معادل ۹۸ درصد و برای زنان حدود ۶۸ درصد در سال ۱۳۸۵ گزارش شده است. در توضیح روند نزولی مشارکت اقتصادی زنان با تحصیلات عالی که

در سال ۱۳۷۵، حدود ۸۲ درصد بوده و به رقم ۶۸ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است، کارشناسان به رشد کمتر زنان شاغل با تحصیلات عالی اشاره داشته‌اند و این که دختران تحصیلکرده‌ای که نتوانند شغلی بیابند الزاماً به صف بیکاران جویای کار اضافه نمی‌شوند و اثر «عدم تشویق نیروی کار» [ناامیدی از بازار کار] در این شرایط وجود دارد.^۱

در چنین وضعیتی مطالعه نوروبی (۱۳۹۳) سهم اشتغال زنان در کل شاغلین را حدود ۱۵ درصد و سهم زنان تحصیلکرده در میان کل تحصیلکردگان شاغل را حدود ۳۰ درصد نشان می‌دهد.

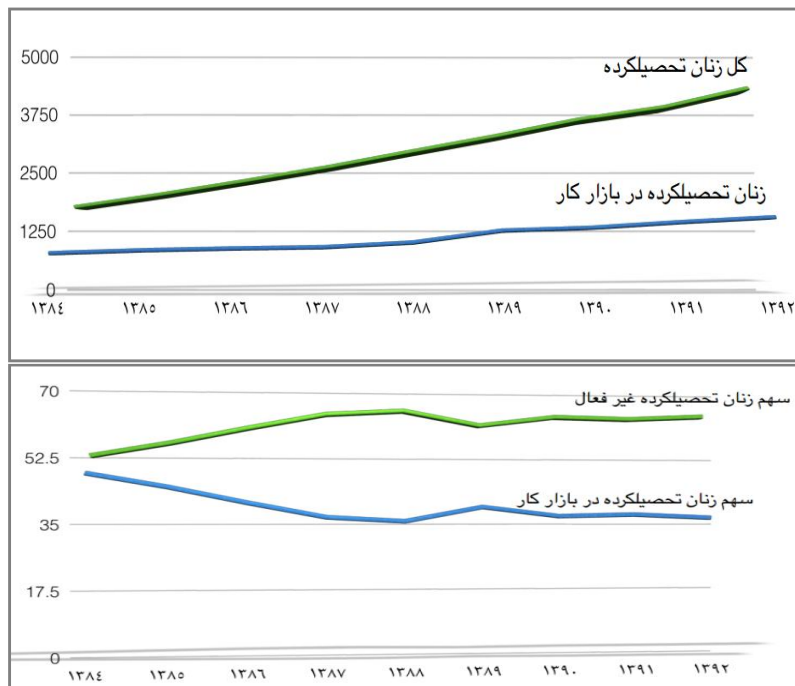
نمودار ۱۳. تغییرات سهم زنان تحصیلکرده در بازار کار



مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

۱. وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۱

نمودار ۱۴. مقایسه روند ورود دختران تحصیلکرده به بازار کار و پیوستن آن‌ها به تحصیلکردگان غیر فعال



مأخذ: برگرفته از نتایج آمارگیری نیروی کار، ۱۳۸۴-۱۳۹۲

بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، در طی دهه اخیر، ما با سهم کاهش یابنده ورود دختران تحصیلکرده به بازار کار (شاغل + بیکار و در جستجوی کار) یا به عبارتی عرضه نیروی کار با تحصیلات عالی مواجه شده ایم. در حالی که در سال ۱۳۸۴، حدود ۴۸ درصد از دختران پس از تحصیل دانشگاهی راهی بازار کار می‌شدند، این سهم در سال ۱۳۹۲ به ۳۷ درصد کاهش یافته است. گرچه تعداد مطلق آنها در بازار کار از رقم حدود هشتصد هزار نفر به یک میلیون و چهارصد هزار نفر افزایش یافته است. اما در مقابل، سالانه ۷۰

هزار نفر (به طور متوسط) دختر تحصیلکرده برای یافتن شغل وارد بازار کار شده اند، نزدیک به ۱۸۵ هزار نفر از دختران یا اصلاً وارد بازار کار نشده‌اند و یا پس از مدتی از جستجوی کار، مطلوبیت و هزینه آن را بیش از خانه نشینی تشخیص داده‌اند.

جدول ۱۵. تعداد زنان تحصیلکرده در بازار کار در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ (هزار نفر)

وضعیت فعالیت	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
فعال	۸۱۷	۸۶۹	۹۰۲	۹۲۶	۱۰۱۳	۱۲۳۶	۱۲۸۹	۱۳۹۵	۱۴۸۳
شاغل	۶۱۴	۶۵۱	۶۵۱	۶۶۸	۷۳۲	۸۶۶	۸۹۱	۹۳۷	۹۹۷
بیکار	۲۰۳	۲۱۸	۲۵۱	۲۵۸	۲۸۱	۳۷۰	۳۹۸	۴۵۸	۴۸۶
غیرفعال	۸۹۶	۱۰۸۶	۱۳۲۷	۱۵۸۴	۱۸۱۱	۱۸۹۶	۲۱۷۹	۲۳۱۶	۲۶۰۶
جمع	۱۷۱۳	۱۹۵۵	۲۲۲۹	۲۵۱۰	۲۸۲۴	۳۱۳۲	۳۴۶۸	۳۷۱۱	۴۰۸۹

مأخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار، ۱۳۹۲-۱۳۸۴

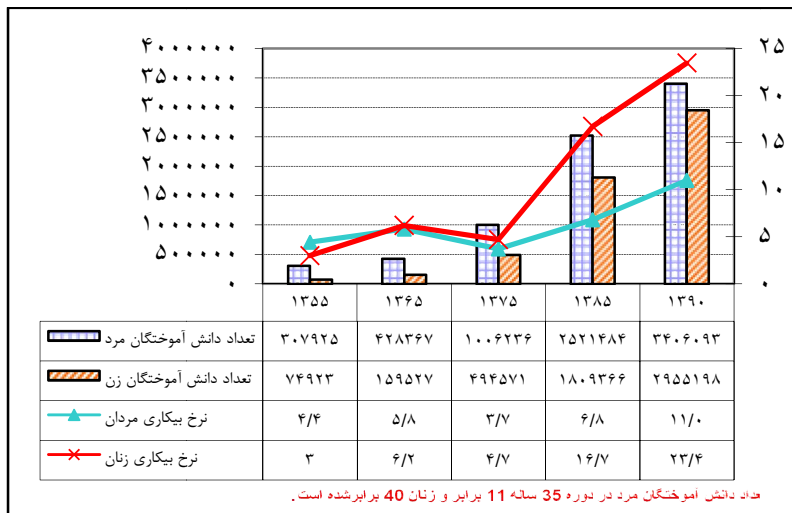
در چنین شرایطی از عدم حضور تعداد و سهم قابل توجهی از دختران تحصیلکرده در بازار کار (نزدیک به ۲۳۸۰ هزار نفر در سال ۱۳۹۲) و پیوستن به جمعیت غیر فعال تحصیلکرده یا «خانه نشین‌ها» سهم آنهایی که وارد بازار کار شده و موفق به یافتن شغل مناسب نشده‌اند، نیز قابل توجه است.

در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، تعداد زنان بیکار تحصیلکرده از حدود ۲۰۳ هزار نفر به ۴۸۶ هزار نفر (حدود دو برابر و نیم) افزایش یافته است. در حالی که تعداد زنان شاغل با تحصیلات عالی از ۸۱۷ هزار نفر به ۱۴۸۳ هزار نفر (حدود ۱/۸ برابر) شده است.

بنابراین سرعت افزایش بیکاران تحصیلکرده در میان زنان بیش از شاغلین است و مطالعه نوروبی (۱۳۹۳) تعداد تحصیلکردگان دوره‌های عالی و نرخ بیکاری آنها را طی تقریباً چهار دهه (بر اساس نتایج سرشماری)

گزارش می‌نماید. این نمودار علاوه بر نمایش رشد فزاینده تعداد زنان تحصیلکرده، نشان‌دهنده سهم بیکاری افزایش یابنده آنها بویژه در مقایسه با مردان تحصیلکرده نیز می‌باشد.

نمودار ۱۵. مقایسه روند بیکاری و اشتغال زنان و مردان تحصیلکرده



تفکیک شغل‌ها به زنان و مردانه، ضمن ایجاد محدودیت‌هایی در انتخاب شغل، سبب دستمزد کمتر، پرستیژ و تشخص پایین‌تر و بدون اقتدار این گونه شغل‌ها شده و انگیزه ورود به بازار کار را کاهش می‌دهد. در واقع اصرار بر تخصیص‌های زنان و مردانه در رشته‌های تحصیلی دانشگاه‌ها، در بازار کار باز تولید شده و احتمالاً زمینه بیکاری بیشتر دختران تحصیلکرده را فراهم می‌سازد.

بنابراین ورود سهم کمتری از دختران تحصیلکرده به بازار کار، نه به

رکود اقتصادی و تعداد محدود فرصت‌های شغلی بلکه مرتبط با تبعیض علیه دختران تحصیلکرده توسط کارفرمایان خصوصی و دولتی است که سبب نرخ فزاینده بیکاری آنها و در نهایت ناامیدی و خروج از بازار کار می‌شود. شاید کارفرمایان دولتی و خصوصی مشتاق خانه نشین کردن دختران تحصیلکرده، به این نتیجه رسیده باشند که با ناامید کردن آنها از بازار کار، به ازدواج تشویق شده و به جمع «خانه دارها» می‌پیوندند. بسیاری از پژوهشگران هم در بررسی عوامل مرتبط با انگیزه جستجوی کار به موارد زیر اشاره کرده‌اند:

□ ازدواج

□ بچه دار شدن

□ بعد خانوار

□ وجود افراد سالمند در خانواده

پژوهش‌های بسیاری نیز نشان داده‌اند که احتمال ورود به بازار کار برای زنان ازدواج کرده و بچه دار کمتر می‌شود. اما تحلیل داده‌های مرکز آمار ایران در سطح ملی نشان می‌دهد که با ورود دختران به دانشگاه‌ها و افزایش تعداد آنها، گرچه سن ازدواج به تأخیر افتاده است (همانند پسران تحصیلکرده) اما در رابطه با تأثیر عامل ازدواج بر اشتغال^۱ رابطه منفی ازدواج دختران با ورود به بازار و اشتغال صحت دارد، بجز وقتی که زنان به تحصیلات عالی می‌پردازند.

به عبارت روشن‌تر، ازدواج مانع ورود دختران تحصیلکرده به بازار کار نمی‌شود. بنابراین آنهایی که تصور کرده‌اند بیکاری دختران تحصیلکرده آنها را روانه بازار ازدواج می‌کند و از اشتغال منصرف می‌شوند، لازم است که در

۱. Shajari, ۲۰۱۰ & Salehi Esfahani

این تصورات خود تجدید نظر کنند. اما به طور یقین تبعیض‌های دولتی^۱ و کار فرمایان بخش خصوصی با تحمیل هزینه‌های روانی و اجتماعی بسیار، یک فرصت شناخته شده جهانی یعنی «پنجره جمعیتی» را می‌تواند به یک تهدید اجتماعی بدل کند.

به طور بسیار خلاصه:

- سهم بسیار کم زنان در بازار کار، نشانه عدم استفاده کشور از فرصت‌های موجود برای رشد اقتصادی است.
- زنان ایران حتی در میان کشورهای اسلامی، یکی از پایین‌ترین نرخ‌های مشارکت اقتصادی را دارند.
- دختران تحصیل‌کرده تمایل بیشتری برای فعالیت اقتصادی دارند.
- سهم دختران تحصیل‌کرده‌ای که وارد بازار کار می‌شوند، در سال‌های اخیر، روند نزولی را در پیش گرفته است.
- دختران تحصیل‌کرده در بازار کار با نرخ بیکاری بسیار بالا مواجه هستند.
- ازدواج بازدارنده تمایل دختران تحصیل‌کرده به مشارکت در بازار کار نیست.
- با تجربه تبعیض علیه زنان، دختران تحصیل‌کرده مأیوس از یافتن شغل، بازار کار را ترک می‌کنند.
- هزینه‌های روانی و اجتماعی «خانه نشینی» دختران تحصیل‌کرده، می‌تواند به یک چالش جدی در جامعه تبدیل شود.

۱. تبعیض دولتی را در نمونه آگهی استخدام فروردین ماه ۱۳۹۴ نهادهای دولتی می‌توان دید. متأسفانه اعتراض‌ها درباره مغایرت آشکار این اقدام با وعده‌های انتخاباتی آقای روحانی هم بجایی نرسید.

۵.۲. خروج از بازار کار

نرخ فزاینده بیکاران یعنی وضعیت بد بازار کار می‌تواند یکی از دلایل ناامیدی از یافتن شغل و خروج از بازار کار باشد. در تأیید و یا رد وضعیت بد بازار کار معمولاً به رشد اقتصادی (تولید ناخالص داخلی) اشاره می‌شود. اطلاعات موجود حاکی از رشد کند و حتی منفی در برخی از سال‌ها مانند ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ می‌باشد^۱. بنابراین رکود اقتصادی می‌تواند یکی از توضیح دهنده‌ها و در واقع یکی از عوامل ناامیدی دختران تحصیلکرده از بازار کار تلقی شود. اما مقایسه نرخ بیکاری دو برابری زنان در مقایسه با مردان و رشد فزاینده بیکاری دختران تحصیلکرده (نمودار ۱۵) نشان می‌دهد که عامل یا عوامل مهم‌تری از رکود اقتصادی باید در بازار کار زنان عمل کرده باشد.

بر اساس گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۸۹) زنان غالباً پس از فارغ التحصیلی دچار بیکاری می‌شوند، در حالی که مردان بیشتر از وضعیت شاغل به وضعیت بیکاری انتقال می‌یابند. علاوه بر این، مدت زمانی که زنان در جستجوی کار در بازار هستند، بویژه آنهایی که دچار بیکاری طولانی مدت (بیش از ۱۲ ماه) می‌شوند، در تحلیل وضعیت زنان در بازار کار بسیار مهم است. سهم بیکاران زن (۱۰ ساله و بیشتر) که مدت زمان بیکاری آنها از ۱۲ ماه بیشتر بوده، در میان کل زنان بیکار در سال ۱۳۸۴، حدود ۴۷ درصد و در سال ۱۳۸۷ نزدیک به ۵۰ درصد گزارش شده است. این ارقام در مقایسه با وضعیت مردان (۳۳ و ۳۵ درصد به ترتیب) بسیار بیشتر و نشان‌دهنده مدت بسیار طولانی‌تر (یکسال و بیشتر) نیمی از زنان بیکار در بازار کار در جستجوی شغل است.

۱. به نقل از صندوق بین‌المللی پول ۲۰۱۵ در خیرخواهان، ۱۳۹۴: ۲۸

گرچه این داده‌ها اختصاصاً مربوط به زنان تحصیلکرده نیست ولی به هر حال انباشتگی تعداد زنان بیکار که دچار بیکاری طولانی مدت شده‌اند، انگیزه چندانی برای جستجوی کار باقی نمی‌گذارد. بدین ترتیب در عوامل مرتبط با تصمیم دختران تحصیلکرده در خروج از بازار کار، به جز رکود اقتصادی باید در جستجوی عوامل دیگری برآمد. بویژه آن که در سالهای اخیر ما با شرایط تورمی مواجهه کرده ایم. علی‌الاصول در شرایط تورم نزدیک به ۳۰ تا ۳۵ درصدی در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ انتظار می‌رود که تعداد افراد بیشتری برای کمک به تأمین معاش خانواده وارد بازار کار شده باشند و تصور می‌رود که شانس دختران تحصیلکرده برای دستیابی به یک شغل مناسب بیشتر از دیگران است، در این صورت چرا سهم آنان در حضور در بازار کار کاهش یافته و چرا بیکاری دختران تحصیلکرده به رقم ۵۰ درصد نزدیک شده است؟

عامل دیگری که می‌تواند در محرومیت زنان از بازار کار مؤثر و منجر به تصمیم «خانه نشینی» شده باشد، نرخ دستمزدهای واقعی زنان با توجه به هزینه‌های زندگی و در مقایسه با دستمزد مردان است. در تمام الگوها بر تأثیر مثبت دستمزد واقعی بر عرضه نیروی کار^۱ و این که میزان دستمزد بهترین شاخص عملی برای میزان بهره‌وری افراد است، تأکید می‌شود.

هرچند در ایران احتمالاً دستمزدها شاخص خوبی برای بهره‌وری نیستند اما اثر منفی دستمزدهای بسیار پایین را بر تصمیم دختران تحصیلکرده در انصراف از جستجوی کار نمی‌توان کتمان کرد.^۲

۱. فلیچی، ۱۳۷۷

۲. نمونه این دستمزدها را در سرای محله‌های شهرداری تهران می‌توان دید.

■ رشته‌های تحصیلی و بیکاری دختران

نگاهی دقیق‌تر به نرخ اشتغال پسران و دختران دارای تحصیلات عالی به تفکیک رشته‌های تحصیلی نشان می‌دهد که در برخی از گروه‌های عمده تحصیلی تفاوت بسیار زیادی وجود دارد.

بر اساس سرشماری ۱۳۹۰ در گروه تحصیلی کشاورزی و دامپزشکی نرخ اشتغال دختران فارغ‌التحصیل دانشگاهی تنها ۵۷ درصد است در حالیکه نرخ اشتغال پسران، ۸۵ درصد گزارش شده است.

بیشترین نرخ بیکاری دختران فارغ‌التحصیل به ترتیب در گروه‌های تحصیلی کشاورزی و دامپزشکی (۴۳ درصد)، مهندسی، تولید و ساخت (۳۶ درصد) و علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق (۲۸ درصد) و کمترین نرخ بیکاری مربوط به گروه تحصیلی علوم تربیتی (۹ درصد) است.

جدول ۱۶: نرخ اشتغال و بیکاری جمعیت فعال دارای تحصیلات عالی به تفکیک رشته تحصیلی

نرخ بیکاری (درصد)		نرخ اشتغال (درصد)		شرح
زن	مرد	زن	مرد	
۹	۳	۹۱	۹۷	علوم تربیتی
۲۲	۸	۷۸	۹۲	علوم انسانی و هنر
۲۸	۹	۷۲	۹۱	علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق
۲۷	۱۰	۷۳	۹۰	علوم؛ ریاضی و کامپیوتر
۳۶	۱۶	۶۴	۸۴	مهندسی، تولید و ساخت
۴۳	۱۵	۵۷	۸۵	کشاورزی و دامپزشکی
۱۱	۶	۸۹	۹۴	بهداشت و رفاه
۲۲	۷	۷۸	۹۳	خدمات
۱۰	۵	۹۰	۹۵	نامشخص و اظهار نشده
۲۳	۱۰	۷۷	۹۰	جمع کل

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

میزان مشارکت اقتصادی زنان می‌تواند تحت تأثیر موفق یا ناموفق بودن

جستجوی کار آنها قرار گرفته باشد. اثر ناامیدی از یافتن کار را «تصمیم فرد به خود داری از جستجوی کار» تعریف کرده‌اند و نیروی کار مأیوس شده کسی است که در جستجوی کار نیست زیرا شانسی برای پیدا کردن شغل مناسب نمی‌بیند، بدین ترتیب هر وقت مطلوبیت مورد انتظار از دنبال کار گشتن، کمتر از مطلوبیت کار نکردن باشد، فرد، جستجوی کار را عملی بی‌فایده تلقی کرده و از دستیابی به شغل ناامید می‌شود.

چنین وضعیتی می‌تواند از مشخصات اکتسابی دختران (میزان دانش، مهارت و...) و یا از ویژگی ذاتی یعنی «زن بودن» و تبعیض در بازار کار علیه این خصوصیات ناشی شده باشد.

دختران جوان دریافته‌اند که اگرچه آموزش عالی پاداشی در حد شانس فقط کمی بیشتر در دستیابی به یک شکل در بازار کار را فراهم می‌کند، اما این پیش فرض که آموزش عالی لزوماً به اشتغال و کسب درآمد می‌انجامد و تنها راه دستیابی به عدالت جنسیتی در عرصه‌های اقتصادی است، چندان درست نیست.

بنابراین سیاست موفق گسترش کمی آموزش عالی در سال‌های گذشته و سخت کوشی دختران برای استفاده از تنها فرصت فراهم شده، هر چند ورود آنها به بازار کار را چند سالی به تأخیر انداخته ولی اکنون هر وقت دستاوردهای آموزشی و نرخ بیکاری فزاینده در میان دختران، به منبعی برای ناپایداری روانشناختی و اجتماعی دختران جوان تبدیل شده و آموزش عالی نقش تعیین‌کننده خود را در تحرک اجتماعی و ارتقاء پایگاه زنان در جامعه از دست داده است. علاوه بر این سرمایه‌گذاری خانواده‌ها برای آموزش بیشتر دختران و کاهش موانع فرهنگی - اجتماعی با عدم دسترسی آنها به فرصت‌های شغلی نشان‌دهنده غلبه دیدگاه سنتی و تبعیض آمیز «اولویت پسران در درس خواندن و اشتغال» است.

منابع

- آزاد ارمکی تقی و احمد غیاثوند (۱۳۸۳) «جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران» نشر آن، تهران.
- آزاد ارمکی تقی و مصطفی ظهیری (۱۳۸۹) «بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده». فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۶ (۲۳) صفحات ۲۷۹ تا ۲۹۷.
- آزاد ارمکی تقی (۱۳۸۶) «فرآیند تغییرات نسلی: بررسی فراتحلیلی در ایران»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره اول (بهار و تابستان) صفحات ۴۲ تا ۶۸.
- آزاده، منصوره اعظم، سوسن باستانی و افسانه کمالی، (۱۳۸۸) پیمایش ملی بررسی وضعیت، نگرش و مسائل جوانان، با تأکید بر دختران و زنان جوان، مرکز مطالعات جوانان دانشگاه الزهراء.
- آل اقا فریده (۱۳۷۶). «بررسی تحلیلی وضع موجود در فرهنگ عمومی بزرگسالان». مرکز پژوهش‌های بنیادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی زراء‌نژاد، منصوره؛ منتظرحجت، امیرحسین. (۱۳۸۴)، نگاهی به مشارکت اقتصادی زنان در ایران. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۷.
- اسدی علی و همکاران (۱۳۵۶) «گرایش فرهنگی و نکرش‌های اجتماعی در ایران؛ گزارش یک نظرخواهی در سال ۱۳۵۳»، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
- اسدی علی، مهدی بهکیش و منوچهر محسنی (۱۳۵۸). «گرایش‌های فرهنگی و نکرش‌های اجتماعی در ایران، گزارش از یک نظرخواهی در تهران» (خرداد ماه)
- اوجاقلو سجاد (۱۳۹۴) «تغییرات ارزشی در ایران: تحلیل تغییر سیستم ارزشی خانواده‌ها» ir.Anthropology://Http آخرین مراجعه ۱/۵/۱۳۹۴
- ترابی تقی (۱۳۷۸) «اندازه‌گیری ارزش افزوده فعالیت‌های زنان خانه‌دار در منزل (مورد خاص

- طبخ غذا). مجموعه مقالات زنان و صرفه جویی، صفحات ۴۷ تا ۷۴، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری
- جلیوند شیرین (۱۳۷۵) «بررسی و مقایسه نگرش مادران و دختران (نسل قدیم و جدید) نسبت به ارزش‌های اجتماعی» مرکز پژوهش‌های بنیادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 - دیهیم و همکاران (۱۳۸۲) «زنان در سیستم بانکی ایران» پژوهش انجام شده در مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دانشگاه تهران
 - سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۲) برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)
 - سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۳) برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸)
 - سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۸) برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)
 - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۷) برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۸۷)
 - سلطانی احسان (۱۳۹۴) «نیاز ۸۰ درصد خانوارها به دوشاغل». روزنامه شرق، دوشنبه ۸ تیرماه
 - شادی طلب، ژاله و نخعی، پریسا (۱۳۹۴)، خانه نشینی پرهزینه. ویژه نامه روزنامه شرق، شماره ۲۳۳۷.
 - شادی طلب، ژاله و نخعی، پریسا (۱۳۹۴) «رشد تحصیلات و فرصت‌های شغلی زنان». دانشگاه تهران.
 - شادی طلب، ژاله (۱۳۵۷) «دیدگاه مردان روستایی نسبت به کار زنان» مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۸، صفحات ۸۱ تا ۸۹، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
 - شادی طلب ژاله (۱۳۷۸) «مدیریت زنان؛ ضرورت تغییر رفتار در نقش مدیریت». چاپ شده در مجموعه مقالات نخستین همایش جامعه شناسی مدیریت، سازمان مدیریت صنعتی. صفحات ۲۷۴ تا ۲۹۲
 - شادی طلب ژاله و سودابه امیری (۱۳۸۱) «زنان و مسایل جنسیتی در برنامه چهارم توسعه ایران». مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دانشگاه تهران
 - شادی طلب، ژاله (۱۳۵۷)، «برنامه‌ریزی جنسیتی مبتنی بر واقعیت‌ها» فصلنامه علوم اجتماعی (۸) صفحات ۸۱ تا ۸۹، دانشگاه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
 - شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، (۱۳۹۳). نگاهی به وضعیت زنان و خانواده.
 - ضرابی وحید و سید فرخ مصطفوی (۱۳۹۰) «بررسی عوامل موثر بر سن ازدواج در ایران؛ یک

گزارش وضعیت زنان ۷۹

- رویکرد اقتصادی» فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۴، زمستان) صفحات ۳۳ تا ۶۴
- عباسی شوازی، محمدجلال. (۱۳۹۲)، بررسی وضعیت جمعیتی و اقتصادی- اجتماعی جوانان در ایران.
 - عبدی عباس و محسن گودرزی (۱۳۷۸) تحولات فرهنگی در ایران، انتشارات روش، تهران
 - عبدی عباس و محسن گودرزی (۱۳۸۸) تحولات فرهنگی در ایران، نشر علم، ایران
 - عسگری خانقاه، اصغر و آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰) «وضعیت پیوستاری تغییرات فرهنگی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۸، شماره ۱۸، صفحات ۲۳۳ تا ۲۵۰ (پاییز و زمستان).
 - علاء الدینی، پویا؛ رضوی، محمدرضا. وضعیت مشارکت و اشتغال زنان در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۲.
 - عیسی زاده سعید، اسماعیل بلالی و علی محمد قدسی (۱۳۹۳) «تحلیل اقتصادی طلاق: بررسی ارتباط بیکاری و طلاق در ایران طی دوره ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵». دانشگاه بوعلی سینای همدان، ایران مرکز آمار ایران. (۱۳۹۱). سالنامه آماری کشور.
 - محسنی منوچهر (۱۳۷۹) «بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی در ایران». دبیرخانه شورای فرهنگی عمومی کشور
 - مرکز آمار ایران (۱۳۷۲) «احتساب سهم زنان در تولید کشور» دفتر تحقیق و توسعه (نشریه داخلی)
 - مرکز آمار ایران، پژوهشکده (۱۳۹۳) «روند شاخص‌های منتخب» دو ماهنامه «آمار» سال دوم، مرداد و شهریور نشریه شماره ۷.
 - مرکز آمار ایران. (۱۳۸۹). سالنامه آماری کشور.
 - مرکز آمار ایران. (۱۳۸۰). سالنامه آماری کشور.
 - مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری (۱۳۸۲) «نیازسنجی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان و دختران کشور» (مرداد ماه)
 - معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، (۱۳۹۳). پیش نویس بسته سیاستی - اجرایی اشتغال پایدار زنان.
 - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، (۱۳۹۳). تحولات کمی و کیفی اشتغال زنان در دوره پنج ساله.
 - وزارت کار و امور اجتماعی (۱۳۸۹) «تحولات بازار کار زنان طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸» معاونت سرمایه انسانی و توسعه اشتغال، (مرداد ماه)
 - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، (۱۳۹۲). طرح نمونه گیری از شاخص‌های بازار کار در ایران.
 - Azadarmaki T. and G. Ghaffari (۲۰۰۴) "Generational attitudes towards women "

Women's research ۱(۱): ۸۹-۹۷

- Chamlou N. (۲۰۰۶) "Gender, development and the law in the Middle East and North Africa" PACE International Law Review, ۱, vol. xviii, ۲۶۹-۲۸۷(Spring).
- ILO and CWS, (۲۰۰۴) "Gender dimensions of labor markets and employment patterns in the Islamic Republic of Iran". University of Tehran, Iran
- ILO and CWS, (۲۰۰۴) " Review of employment creation policies and programs in the Islamic Republic of Iran". University of Tehran, Iran
- Kabeer, N. (۱۹۹۹) "The conditions and consequences of choice ; reflections on the measurement of women's empowerment ". UNRISD discussion paper No. ۱۰۸, August.
- Kabeer, N. (۲۰۱۲) "Women's economic empowerment and inclusive growth: Labor markets and enterprise development" School of Oriental and African Studies, SIG working paper ۲۰۱۲/ ۱,UK.
- Marmel, A. and S. Judi (۱۹۹۱) " Women and world development ". Oversea Education Fund , Washington, USA.
- Moghadam V. (۱۹۹۷) "The feminization of poverty: Notes on the concept and trend". Illinois State University, Women studies occasional paper, No.۲.
- Norton A. and D. Elson (۲۰۰۲),"What is behind the budget? Politics, rights and accountability in the budget process". Center for Aid and Public Expenditure. Overseas Development Institute, UK.
- Shaditalab J. and R. Mehrabi (۲۰۱۰) "Patriarchal values; girls are more apt to change". Sociologisk Forskning, Argang ۴۷'nr ۲. pages ۹۸-۱۱۱.
- UNIFEM (۱۹۹۵) " The human cost of women's poverty:perspectives from Latin America and Caribbean" , Mexico City.
- United Nations (۲۰۰۹) "The millennium development goals report ", UN, New York.